

مقدمه‌ای بر زبان و ادب کردی

بنام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد
کلیات

هنر با دو ویژگی برجسته همیشه چهره خود را به نمایش گذارده است. نخست جاودانه‌سازی دوم توانایی آن برای تشریح واقعیت‌های پیچیده. به هر اندازه کیفیت یک کار هنری بالا می‌رود بر عمر آن افزوده می‌شود. خاصیت جاودانه‌سازی هنر چیزی است که هنرمند نباید از آن چشم بپوشد. البته در گذشته کسانی بوده‌اند که از این امر غفلت کرده‌اند. در لفظ کُردی را به پای پادشاهان خونخوار ریخته‌اند، یا متاع والای هنر خویش را به لهُو از دست داده‌اند، ولی هنرمند متعهد کسی است که دچار این غفلت نشود. لذا برای او مهم است که از اوضاع دوران خویش آگاه باشد و بداند آب حیاتی که در دست دارد، باید صرف عمر بخشیدن به چه چیز کند. بزرگان شعر و هنر کردی همانند دیگر نام‌آوران ادب دیگر نقاط کشور اسلامی مان، حیات خویش را صرف آبیاری درخت عرفان کرده‌اند. هر کس سیری در تاریخ ادبیات این گوشه از میهن اسلامی مان کرده باشد از این واقعیت آگاه است.

برای نمونه رباعیات باباطاهر عریان که خود از نژاد کوهستان‌های زاگرس کردستان بوده

○ هنر دو ویژگی بارز دارد: الف - خصیصه جاودانه‌سازی. ب - تشریح واقعیت‌های پیچیده
○ تا قبل از ظهور دین اسلام، حروف «ماسی-سوراتی» در میان کردان معمول بود و در همان حال خط
یونانی و خط آرامی سریانی را هم به کار می‌بردند.

است نمونه بارزی از این لطافت و زیبایی است. به هر حال زبان کردی به گواهی آنها که
آن
را
خوب شناخته‌اند زبان کهن عرفان و زبان احساسات پاک و صمیمی و اندیشه‌های ناب و
بی‌غل و غش انسانی است.

گفتیم که یکی از ویژگی‌های هنر (و ادب) توانایی در تشریح حقایق است. یک ادیب
وقتی به عنوان متعهد آراسته خواهد شد که زبان خویش را وقف بیان حقیقت کند.
حقیقت اگر همیشه چهره‌ای صریح و روشن داشت، شاید بحثی به عنوان رسالت هنر
مانند امروز جای خود را باز نمی‌کرد. اما این گونه نیست. رسالت یک هنرمند همیشه
سنگین بوده است. چشم و دل بینا، ذوق معرفت‌خواه، بیان لطیف و زبان حق‌گو، ابزار کار
یک هنرمند متعهدند. هنرمند متعهد، پیرایه‌ها را از چهره وقایع کنار زده و حقیقت را در
دسترس مردم خویش می‌گذارد.

امروزه این رسالت بر دوش هنرمندان بیشتر از هر وقت دیگر سنگینی می‌کند.
حقایقی که باید گفته شوند، بسیارند جنگ ناخواسته‌ای که دشمن کینه‌توز ملت‌های
منطقه بر مردم ما تحمیل کرده است، تیرهای زهرآگین و صد رنگ توطئه، که هر روز به
سوی کانون‌های تجدید حیات اسلام و مردم رها می‌شوند، نفاق‌افکنی‌های مزدوران که
دل‌های پاک و اقوام گوناگون را کدر و سمپاشی‌های کوردلانه‌ای که تشخیص خادم از
خائن را دشوار می‌کند، موضوعاتی‌اند که باید در هنر و ادبیات کردی ما جای خود را در
کنار دیگر مسائل باز کنند.

لازم دانستم قبل از پرداختن به هر مقوله دیگر، مطالب را با چند آیه از قرآن مجید

آرایش دهم. زیرا قرآن کریم علاوه بر تزکیه نفس و تعلیم پند و اندرز و آموختن اخلاق نیکو به مردم، خود در لفافه آیات شریفه اسلوب هنر و خصیصه آن را از جهت منطقی هنری، بهترین هنرها و شیوه‌های زیباگویی و تصویرآفرینی واقعیت همراه با عرفان و خداشناسی را به صورت سمبولیک و عبرت‌آموز در لباس امثال و «احسن‌القصص» منعکس می‌کند (فارجع البصر هل تری من فطوراً^۱ یکی از اقوام در خاورمیانه ملت و مردم کردند که در زمان رژیم طاغوت درد و رنج و ستم‌های زیاد دیده‌اند.

از هر جهت بر آنها تبعیض‌ها رفته است. زبان کردی که مانند همه زبان‌ها موهبتی است الهی و آیه و نشانه خداوند است، منع و جلو پیشرفت زبان و ادبیات کردی گرفته شده بود. خلاصه بر خلاف روح دین مقدس اسلام با زبان کردی رفتار می‌کردند و در حقیقت مسلمانان کرد، در اثر ستم‌های مکرر رژیم طاغوت طوری وحشت‌زده شده‌اند که هنوز به تمامی باور ندارند که در جمهوری اسلامی استفاده از زبان کردی در مطبوعات و تدریس ادبیات کردی در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.

همچنین خداوند در سوره حجرات آیه ۱۳ می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکرو انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکر مکرکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر» یعنی (ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم. تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست، خداوند دانا و خبیر است).

در این آیه، مورد خطاب کل جامعه انسانی است.

منظور از آفرینش مردم از یک مرد و زن همان بازگشت نسبت انسان‌ها به آدم و حواست. بنابراین چون همه از ریشه واحدی هستند معنی ندارد که از نظر نسبت ملت و

۱- آیه ۳-سوره ملک)

قبیله بر یکدیگر افتخار کنند، و اگر خداوند برای حصر نژاد و قبیله و طائفه‌ای ویژگی‌هایی آفریده برای حفظ نظم زندگی اجتماعی مردم است. چرا که این تفاوت‌ها سبب شناسایی است، و بدون شناسایی افراد، نظم در جامعه انسانی حکمفرما نمی‌شود. چرا که هر گاه همه یکسان و شبیه یکدیگر و همانند بودند، هرج و مرج عظیمی سراسر جامعه انسانی را فرا می‌گرفت و آیه «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» قلم سرخ بر تمام امتیازات ظاهری و مادی کشیده و اصالت را به تقوا و پرهیزکاری و خدا ترسی می‌دهد. و می‌گوید: برای تقرب به خدا هیچ امتیاز جز تقوا مؤثر نیست.

این است که پیامبر اسلام (ص) فرموده است: «نه عرب بر عجم برتری دارد و نه عجم بر عرب. نه سیاهپوست بر گندمگون و نه گندمگون بر سیاهپوست مگر به تقوا».^۱ و همچنین حضرت امام خمینی (رضی‌الله‌عنه) رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در پیام تاریخی ۲۶ آبان ۱۳۵۸ خورشیدی فرمودند: «...اسلام بزرگ تمام تبعیض‌ها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی ویژگی خاصی قرار نداده و تقوا و تعهد به اسلام تنها کرامت انسان‌هاست و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی ایران حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هر گونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است من جمله برادران کرد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت می‌باشد».^۲ بر مبنای این حکم شرعی امام است که این همه **توجه به ادبیات و فرهنگ کرد شده و انتشارات صلاح‌الدین ایوبی (سروه) و بخش کردی در سروش و در سازمان تبلیغات اسلامی در تهران (آوینه) فعالیت می‌کنند و کرسی تدریس زبان و ادبیات کردی در دانشگاه‌ها دایر شده است و این همه توجه در اثر آن است که در ایران حکومت در دست علما و روحانیت است و کار علما و روحانی در طول**

۱ - آداب النفوس طبری صفحه ۶۱۶

۲ - روزنامه کیهان ۲۷ آبان ۱۳۵۸ خورشیدی

تاریخ ترویج دین و دانش و گسترش علم و فرهنگ و معارف بوده است. البته باید توجه داشت که پیام تاریخی ۲۶ آبان ۱۳۵۸ حضرت امام (رض) یک پیام اداری یا سیاسی نیست بلکه یک حکم شرعی است و بر مبنای روح اسلام و مطابق قانون اساسی حکم امام خمینی (رضی‌الله‌عنه) در قانون اساسی مذکور است، اصل ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند. رنگ، نژاد، زبان و مانند آنها سبب امتیاز نخواهد بود» و مطابق اصل ۱۵ قانون اساسی «استفاده از زبان‌های محلی در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است» هر چند متأسفانه تاکنون برای اجرای این اصل فرصتی موجود نبوده است.

باید دانست زبان از دیدگاه اسلام تنها یک موهبت اجتماعی نیست بلکه موهبتی است الهی، همچنان که خدا در قرآن در سوره بقره آیه ۳۱ می‌فرماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...» در این آیه تسمیه کل به اسم جزء یعنی «زبان» است امام فخر رازی می‌فرماید: مقصود قدرت سخن گفتن است یعنی: «زبان» موهبتی است که از طرف خدا به انسان اعطا شده است.

و در اصل ۱۱ قانون اساسی آمده است: «هذه امتکم امة واحدة و انار بکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد».

□ خط و زبان کردی

خط - کردها دارای خط مخصوصی نبوده‌اند. با ابداع خط میخی، کردها و پارس‌ها هر دو بالاتفاق تحریرات خود را با خط میخی می‌نوشتند «نلدکه» آلمانی می‌گوید: اگر کتیبه‌هایی از کرد به دست بیاید تصور می‌رود که از حیث زبان و خط عین کتیبه‌های

شاهان هخامنشی باشد^۱.

در کتاب «شوق المستهام، فی معرفة رموز الاقلام» تألیف احمد ابی بکرین وحشیه نبطی کلدانی، مذکور است که در حدود قرن دهم قبل از میلاد یک نفر «ماسی سورات» نام حروفی را طبق مخارج ابجدی اختراع کرده و با آن افکار خود را رقم زده است. بعداً اکراد هم غالباً با همان حروف کتابت کرده‌اند. حروف مذکور که مشهور به «حروف ماسی سوراتی» است، تقریباً شبیه به حروفی است که در قرن ششم میلادی اختراع شده است و آن را حروف اوستائی می‌گویند.

صورت حروف «ماسی سوراتی»

مجلة العربی چاپ کویت در شماره (۲۰۰) ماه تموز ۱۹۷۵ میلادی درگفتاری به قلم دکتر عبدالحلیم منتصر زیر عنوان «ابن وحشیه فی الفلاحة و هو اقدم الکتب فی العربیة» می‌نویسد: ... و انه نقل اکثر کتبه من اللغة النبطیة، ولم ینشر من تالیفه فی اللغة العربیة سوی (شوق المستهام فی معرفة رموز الاقلام) «و قد ذکر فی آخر کتابه هذا انه ترجم من اللغة الكردیة کتاباً فی علل المیاه و کیفیة استخراجها و استنباطها من الاراض المجهولة الاصل» نبطیه قومی عرب بوده‌اند اما زبان‌شان غیر عربی بوده است.^۲

تا فجر اسلام، حروف کردی (ماسی سوراتی) در میان اکراد معمول بود و در عین حال اکراد خط یونانی و خط آرامی سریانی را به کار می‌بردند. سه فقره اجاره‌نامه‌ای را که «سید حسین» نامی از منسوبین شیخ علاءالدین در سال ۱۳۲۸ قمری هجری در میان

۱ - تتبعات تاریخی راجع به ایران قدیم

۲ - بروانته قاموسی زمانی کوردی لاپره ی ۳۸ به‌رگی به‌کم نوسراوی عبدالرحمن محمد امین ذبیحی چاپی ۱۹۷۷ از کوری زانیاری کورد - به‌غدا
محمه د نه‌مین زه‌کی بوسه‌ر چاوه‌ی چامه‌ی (هورموژگان) ناوی کتیبی خه‌باتی سونیان نه‌با نوسراوی واسیلی نیکتین کوبه‌ی ۱۸ له‌سه‌ر لاپره‌ی ۱۴.

خمره پر از ارزن پیدا کرده بود، این موضوع ثابت می‌کند. این رفاق، توسط پروفیسور «براون» به دست پروفیسور «منس» متخصص خط و زبان

○ پس از گسترش اسلام در میان کردان حروف «کوفی» جانشین حروف دیگر شد و قرآنی که تاریخ کتابت آن قرن دوم هجری است و هم اکنون در قریه «نگل» از محال «کلاترزان» سنه دژ، نگهداری می‌شود به خط کوفی نوشته است.^۱

یونانی رسید و مشخص شد که یکی از آنها به زبان پهلوی و خط آرامی سریانی است (۸۸ ق.م). و آن دورق دیگر یونانی است و هر دو دارای یک مضمونند (نسختان) و هر دو را در زمان فرهاد چهارم، از سلاطین پارت (اشکانیان) نوشته‌اند (۲۱-۲۲ ق.م). این دو رق دلالت دارند که در آن ایام منطقه اورامان تحت حکومت ارمنستان (آرتاکسیس) یا (آرتاکسیاس) بوده است.

حکمرانان (اورامان) هم بهمن سوم بوده است. نسل هیجدهم بهمن اول پسر اسفندیار اعلی‌جد سلسله سلاطین اورامان.

اشکالی که ذیل حروف مذکور (ماسی سوراتی) نوشته شده معلوم نیست چه حروفی هستند ظاهراً باید حروف ذیل باشند:
(پ، چ، گ، ژ، و، ل، ت، د، ر)

لام بزرگ، تای سبک، دال سبک، رای بزرگ

پس از غلبه و توسعه اسلام، حروف کردی، میخی، آرامی و یونانی به کلی متروک و به جای آنها حروف «کوفی» معمول شد قرآنی که اکنون در قریه «نگل» از محال «کلاترزان» سنه دژ، موجود است، و تاریخ آن قرن دوم هجری است، به خط کوفی نوشته شده است و پس از رواج خط نستعلیق کرد و پارس هر دو تحریرات خود را با همین خط نوشته‌اند. بنابراین کرد و پارس در خط هم، دوش به دوش هم‌دیگر رفته‌اند.

۱ - تاریخ نایه توللا شیخ محمه د مه ردوخ به رگی یه که م.

طبق تحقیقات دکتر «سپایزار» طوایف اربعه منظومه زاگروس یعنی اکراد قسمت آرات که عبارت از اکراد لولو و گوتی و کاسو و شوبارو هستند هر یک دارای یک زبان ویژه ولی به همدیگر نزدیک بوده‌اند مانند طوایف اکراد امروزی که هر چند شاخ و برگ کلمات زبان آنها متفاوتند ولی اصول کلمات در زبان همه یکی و نزدیک به هم است. بعضی از مستشرقین می‌گویند که زبان طوایف اربعه زاگروس «آری» بوده است ولی زبان آری هم تاکنون معلوم نشده که چه قسم بوده است زیرا هنوز مدرکی به زبان آری به دست نیامده است. بنابراین ما اکنون باید از زبان اکراد قسمت آرات صرف نظر کنیم و در اطراف زبان طبقه دوم کرد یعنی اکراد خاور زمین (مادها) صحبت کنیم. «ادارمیس لتر» مؤلف کتاب «تبلیغات ایران» می‌گوید: که زبان مادها همان زبان اوستا (آویستا) بوده ولی تاکنون مدرکی به زبان مادی به دست نیامده تا با اوستا تطبیق شود.

«استرابون» جغرافیدان یونانی (در اوایل قرن اول میلادی وفات یافت) در «ایران قدیم» می‌گوید که پارس و ماد زبان همدیگر را به خوبی می‌دانستند پس معلوم می‌شود که زبان پارس و ماد خیلی نزدیک به هم بود. مانند زبان پارسی و کردی که امروزه (اتنوگرافی = ethnography) علم قوم‌شناسی بر آن تأکید می‌کند (جدول زبان چهارگانه که بعد ذکر می‌شود) و اکثر تواریخ هم تصریح کرده‌اند به اینکه زبان مادها همین زبان کردی مکری بوده است. چنان که زند و اوستا که به زبان مادی نوشته شده خیلی نزدیک به لهجه مکری است و یا همان زبان مکری است.

این نظریه از اطراف هوارت و در مستتر و بعضی دیگر از متخصصان تأیید شده است و نتیجه این است که زبان اوستای زردشت زبان کردی مادی است. زبان پارسی هم در آن دوره همان زبانی بوده که در آثار پرس پلیس (= استخر پارس) نوشته شده است تفاوتی که در اکتشافات اخیر حاصل شده همین است که کردها کلمات زیادی از عربی داخل زبان خود نکرده‌اند و به عکس زبان فارسی قدیم شکل افعال خود را تا حد امکان حفظ کرده‌اند. چنانچه نوشتن نامه به زبان کردی ساده خیلی آسان است اما به زبان فارسی

ساده دشوار است.^۱

به هر حال کردهای امروز از حیث زبان چهار شعبه‌اند: ۱- کرمانج ۲- گوران ۳- لر ۴- کلهر. هر یک از این چهار شعبه نیز به چندین شعبه دیگر منشعب شده‌اند و تغییر زبان داده‌اند.

از منابع دجله و فرات تا خلیج فارس قلمرو زبان کردی بوده است و پایتخت این زبان اول آرارات بعد از آن زاگروس بعد از آن اسپاهان، سپس نهاوند بعد هنگمدان = همدان کنونی، یک وقتی هم تیسفون: مداین بوده است بنابراین ما می‌توانیم بگوئیم که لغت و زبان کردی در تمام ولایات ایران قدیم که اسکندر مقدونی بر آن حکمروایی کرده عمومیت داشته است.

در هر حال اصل زبان کردی خاورستان به طور تحقیق همان زبان مادی اوستائی است که اصل و ریشه آن همان زبان آریان قدیم است که آن را زبان (انزانی) گفته‌اند. که پدر تمام زبان‌های مادی و هندی و پارسی و عیلامی است و تقریباً سه هزار سال پیش از میلاد آریایی‌ها با آن مکالمه می‌کردند و بعدها منشعب و مختلف شده و تغییرات کلی پیدا کرده است. ۷۰۰ سال پیش از میلاد (شاه پول) له روزنامه‌ی که یهانی هه‌وایی لاپه‌ره‌ی ۷ ویژه‌ی هونه روئه دهب روژی چوار شه‌مه ۲۸ ئیسفهند (پولان) ی ۱۳۷۰ ی هه تاوی و ۱۸ مارس‌ی سالی ۱۹۹۲ ی زاینی و ریکه‌وتی ۲۸ ره‌شه‌مه‌ی ۲۶۰۴ ک ژماره‌ی ۹۷۴ بلاوکراره‌ته‌وه. (۳۰۰۰ پیش از میلاد مسیح) ریشه زبان پارسی، کردی و هندی. شاه پول *

۱- حتی در کردی اورامی که در کوهستان واقع‌اند و بهتر توانسته‌اند رابطه خود را با اصل زبان کردی حفظ کنند برای زن و مرد افعال متفاوت است می‌گویند فرهاد آما، شیرین آمایی؛ یعنی آمده فرهاد لو شیرین لوانینی یعنی رفت و بر این قیاس کلیه افعال مانند عربی اما زبان فارسی فاقد این امتیاز است.

۲- انسان معرب (انزان) است که عرب (ز) را مبدل به (س) و فتحه همزه را مبدل به کسره کرده است حالا هم در منطقه اورامان به جای انسان انزان می‌گویند مانند: ازدواسد. که تحت همین تبدیل واقع شده است رجوع باین خلکان ترجمه ملهب بنی‌ابی صفره.

ئه حمه د: مه و لانا ئه حمه د فايز: ١٢٥٨

ئه حمه د فايز كورئ سه يد مه حمود كورئ حاجي سه يد ئه حمه د كورئ
(عبدالصمد فضل الدين) كورئ سه يد حه سه ن گوله زه ردئ، له سولاله ي سه يد
حه سه ن گوله زه ردئ به داكي حه كيم ئه حمه د فايز خوشكي كاك ئه حمه د شيخ -
ه. عه للامه ئه حمه د فايز له ١٢٥٨ كوچي مانگي له گوندي گوله زه ردئ سلیماني
له داك بوه و لاي باوكي خوئ و لاي خالي و لاي زاناياني كورده واري
خويندويه تي و فيري زانست و مه عاريفي ئيسلامي بوه وله ١٢٧٧ ده سي كردوه
به دهرس و ته وه به فقه قئ يان و له دوايي دابوته قازي ميرگه و كوئ سنجاق
وقه ره داخ و عيماره و منته فك و كه ره بلا و ده رسيم و ئورفه
ئه م زانا خواپيداره له سالي ١٣٠٨ چوته ئاستانه و ساليك ماوه ته وه و
له پاشان هه لئير دراوه بو قازي (قسطموني) وله سالي ١٣١٣ دابوته قازي موسل
و دواي چهن سال گه راوه ته وه، بو ئاستانه و بوته ئه ندامي مه جليسي مه عاريفي
گشتي له ئاستانه و له سالي ١٣٣٦ كوچي و ريكه وتي ١٩١٨ زاييني له ئاستانه
بارگه ي به ره و لاي خواتيكناره.

حه كيم ئه حمه د فايز شاره زوري زماني كوردي، فارسي، توركي، روسي،
عه ره بي و، فه رانسه وي زانيوه و توانيو به تي له نوسراوه كاني خويده له ههر

شەش زمان کەلک وەر بگری و چەندین کتیبی بە زمانی کوردی و عەرەبی و فارسی نوسیوە.

۱- سیحری حەلال بە عەرەبی لە ناساندن و تەعریفاتی زانست دایە و بە دوانزە شیوە و باردا ئە خویندریتە وە.

۲- کنزاللسن المکنوز بە شەش زمانە و دوانزە فەن و زانستە و تاریخی نوسی بە پێی: (غرابی) سالی ۱۳۰۴ کوچی مانگی یە کە بە دوانزە جەدووە و بە کوردی، عەرەبی، فارسی، تورکی، روسی، و فەرانسەوی ئە خویندرینە وە و یانزە مە بە ستە.

ئە گەر ئوفوقی وە کو کتیبی تر بخویندەریتە وە لە بابەت (فیقه و وجوبی ئیتاعە تە لە سولتان). ئە گەر جەدووە لە کەش بە عەمود: ستونی بخویننە وە لە هەر جەدووە لیک لە هەشت جەدووە لی زانست لە دوانزە زانستە، بە نیو بردنی چلوونی و چلون کەلک وەر گرتن لە وانه قسە کراوە و نوسراوە.

لە جەدووە لی نو هەم دا قە سیدە یە کی تورکی و لە هی دە هەم دا چە کامە یە کی فارسی لە پەسنی سولتان ئە ول حەمید و لە یانزە دا سی شیعەر بە زمانی فەرانسەوی، روسی و کوردی بەم تەرتیبە دانراوە، ئەم کارە لە ئەفسانە ئە چی.^۱

۳- کور تە ئە قیدە لە شەرحی دورە ی فەریدە دا لە ئە قیدە دایە و بە زمانی عەرەبی یە.

۴- تُحْفَةُ الْإِخْوَانِ لَهْ شَهْرَحِي فَهَتْحِ الرَّحْمَنِ لَهْ زَانَسْتِي بَهْ يَانِ وَ بَهْ دِيْعِ دَا.

۵- أَنْفُسُ الْفَوَائِدِ لَهْ شَهْرَحِي فَهْرَائِدِ لَهْ زَانَسْتِي كَهْ لَامِ دَا.

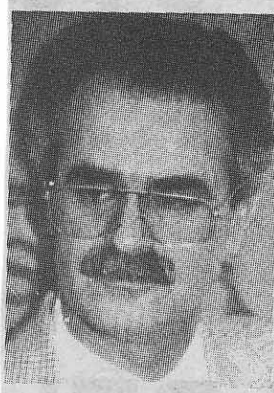
۱ - ئەم کتیبە جەنابی شیخ پەرویز نەووەی حەزەرەتی سەید تاهای دوهم (قدس سره) کە هاتبووە ئیران = تاران بە دیاری بویی هینام و زورم کەلک لی وەرگرت، ئەم کتیبە لە لایەن شیخ محەمەدی خال لە عیراق لە چاپ دراوە و خوش کراوە (شەپول) ۱۳۷۱/۱۱/۲ هەتاوی.

- ٦- سَيِّفِ مَهْ سَلُولِ فِي الْقَطْعِ بِنَجَاةِ اَصُولِ الرَّسُولِ.
- ٧- خَيْرُ الْاَثْرِ لَهُ نَصُوصٌ وَّارَدُهُ لَهُ مَهْ دَحٍ سَهْ يَدِيْ بِهْ شَهْرَدَا.
- ٨- نَهْ صِّ قَوْرَثَانِ لَهُ وَجُوْبِيْ تَيْسْتَا عَهْ يْ سَوَلْتَانِ دَا.
- ٩- دَوْرَهْ رِيْ مَهْ نَظُومِ لَهُ رَوْنِ كَرْدَنَهْ وَهْ يْ حَهْوَتِ زَانَسْتِ دَا.
- ١٠- بِهْ هَجَّةِ الْبِنْيَانِ، كُوْبَهْ يْ تَحْفَةَ الْاِخْوَانِ.
- ١١- اِبَهْ يِ الْقَلَاثِدِ فِي تَلْخِيصِ اَنْفَسِ الْفَوَائِدِ.
- ١٢- اَرْشَادِ الْعِبَادِ بُوْ صَهْ حِيْحِيْ تَيْعْتِيْقَادِ لَهُ تَهْ قَيْدَهْ دَا.
- ١٣- تَهْ سَهْيَلَاتِيْ بِهْ رَزْنَجِيْ لَهُ عَهْ وَامِيْلِيْ جَهْ دَوَهْ لِيْ لَهُ زَانَسْتِيْ نَهْ حُوْدَا بِهْ تُوْرِكِيْ.
- ١٤- بِهْ دَرِيْ كَامِيْلِ لَهُ تَيْخْتِيْسَارِيْ، تَهْ صَرِيْفِ وَ عَهْ وَامِلِ لَهُ زَانَسْتِيْ صَهْرَفِ دَا بِهْ عَهْرَهْ بِيْ.
- ١٥- جَهْ لَايِ طَهْرَهْفِ لَهُ تَيْخْتِيْسَارِيْ صَهْرَفِ لَهُ زَانَسْتِيْ صَهْرَفِ دَا بِهْ تُوْرِكِيْ.
- ١٦- حَهْمِيْدِيَهْ لَهُ تَيْخْتِيْسَارِيْ صَهْرَفِ وَ نَهْ حُوْدَا بِهْ تُوْرِكِيْ.
- ١٧- زُوْبِدَهْ يْ ثَامَالِ لَهُ تَهْ رَجْمَهْ مَهْ يْ نَصُوْلِ الْمَالِ دَا بِهْ تُوْرِكِيْ.
- ١٨- رُوْضَةُ الْاَزْهَارِ لَهُ شَهْرَحِيْ دَوْرَهْ يْ فَهْرِيْدَهْ لَهُ تَهْ قَيْدَهْ بِهْ زِمَانِيْ فَارَسِيْ لَهُ ١٢٧٧ كُوْچِيْ مَانْگِيْ دَانِيَاوَهْ.

سَهْرَجَاوَهْ:

تَارِيْحِيْ سَلِيْمَانِيْ وَ دَهْ وَرُوْبَهْرِيْ بِهْ عَهْرَهْ بِيْ بِهْ كُوْبَهْ يْ مَهْ لَاجَهْ مِيْلِ رُوْژْبَهْ يَانِيْ پَهْرَهْ يْ ٢٣٦-٢٣٩ هَدِيَّةِ الْعَارْفِيْنَ ١: ١٩٣، الْبَغْدَادِيْ، اِيْضَا حِ الْمَكْنُونِ ١: ١٣٥، ١٣٥، خِ فَهْرَسِ الْمَوْءُ الْفِيْنَ بِالظَّاهِرِيَّةِ. مَعْجَمِ الْمَوْءُ الْفِيْنَ عَمْرَرْضَا كَحَالِهْ ج ٢ لَآ پَهْرَهْ يْ ٤٣ چَآپِيْ بِيْرُوْتِ وَ اِبْنِ خَلْكَانِ ١: ٣٥ وَ الْاَنْبَارِيْ ٣٩٢ وَ الْيْتِمَةُ ٣: ٢١٤ وَ آدَابِ اللُّغَةِ ٢: ٣٠٩ وَ مَجْلَهْ الْمَجْمَعِ الْعِلْمِيْ ٢٢: ٥٠١ وَ مُحَمَّدِ بْنِ شَنْبِ فِي دَائِرَةِ

المعارف الاسلامية ١:٢٤٧ و له كتيبخانهى دانشگاهى تاران ، جهلدى دوهم ٤٤٨ وصف الخطوطه من مجمل اللغة كتبت سنة ٤٧٩ و هى مماهدى الى مكتبة جامعة تاران (طهران). وئهلامى خيره دين زهره كللى چاپى شه شه م به رگى ١ په رى ١٩٣. وروژنامهى كوردى ١٩٨٦ زاینى و ٢٥/٤/١٣٦٥ هه تاوى و ٢٥ ى پوشپه رى ٢٥٩٨ كوردى سالى ٤ ژوماره ى ١٣٠ به قه له مى شه پوّل و تاريخ مه شاهيرى كورد نوسراوى ئوستاد بابامه ردوخ چاپى سروش ١٣٦٦ لا په رى ١٤٠. شه پوّل .



Remzî Kartal



Yaşar Kaya



İ. Şerif Wanlı



Abdurrahman Durre



Zubeyîr Aydar



Yaşar Kemal

شیخ ئەبو طاھر ئەحمەد - دی کورد

هەندی کەس لە عاریفان و خواناسانی گەورە باوەریان وایە کە شیخ تاهیری کورد لە گەل حەزەرەتی خدری زیندە قسەیی کردووە و خودانی کەشف و کرامات بوە. شیخ الاسلام ئەحمەد جام مریدو پەیرهوی رچەو تەریقەتی شیخ ئەبو تاهیری کورد بوە.

ئەگەر ئەو کە ئەحمەد جام فەرمویەتی: روژیک نەفسم ئارەزوی قەیسی^۱ کرد و یستم بیدەمی، بەلام پیم وت: سالیکی بەروژ و بە تاقەیسیت بدەمی ئەویش روژوی گرت، دوای سالە کە، وتی: بەقسەم کردی، ئیستاتویش لەسەر تە بەلینی خوت بەیتە سەر منیش چومە باخی، کە بەمیرات لەبا و کەمەو پیم گەیبوو، دیم کە متیار قەیسە کە ی خوار دبوو دەنکی لە بن داری کە وتبو، هەلم گرتەو تەو تەبیدەمی، نەفسم هاواری کرد ئەحمەد چ دە کە ی ئەو لە دەس کە متیار دە رچوو، پیم وت جا چبو بە دەس پاکم کردو تەو، ئەمەوی بیدەم بە تو تاو فام بە بەلینە کەم کردبی، نەفسم وتی: ئیتر بەلین بی لەمە و لا هیچم لە تو نەوی و هیچ ئارەزوی وانە کەم، منیش وتم زور باشە و خیرا راپەریم و هەندی قەیسە باشم لە دارەکان

کرده و همچون دهنکم خوار دو هندی کیشم برد بو حه زره تی شیخ: نه بو تاهیری
کوردی پیری ده سگیرم شیخ بو ماوه یه ک روانی یه نه و قه یسی یانه وله پاشان روی
کرده من و فه رموی نه حمه د!

قه یسی (وه قفت) بو هیناوم بیخوم. منیش عه رزم کرد قوربان وه قف نییه
له داری مولکی خوم به ده سی خوم چنیومه. فه رموی: ئافه رین قه یسی وه قفت بو
هیناوم و به هی خوت ته وی پیم بده ی بیخوم و به کویره نه زانم نه زانی، منیش زور
به نه ده به وه به بیده نگه رهق راوه ستام و له دله وه له به رخوا (سبحانه و تعالی)
پارامه وه که نه مه چیه و رازم بولای پیرم ده ربخه، شیخ دوایی ماوه یه ک کوری
خوی بانگ کردو پیی فه رمو: برو په زیک له ناو رانه که بهینه وه وسه ری بره و بلی:
تاشور باویکمان بو ساز بکن چونکا نه حمه د برسی یه تی، نازانی چ ده کاوچ
ده لی، منیش بیده نگ بوم و له دله وه هر خه ریکی پارانه وه له به رخوا بوم، کاتی نان
هات وه ک نه مه ئیله مام بو هات له و شورباوه نه خوم، حه رامه، خه ریکی خواردنی
نانه ویشکه که بوم، شیخ فه رموی نه حمه د بوچ ناخوی؟ وتم: نه مانه بی خه وش
تره، فه رموی بوچ، ناچار درک اندم شیخ له شته که، کولییه وه وله کوره که ی پرسه،
کوره ش، له وه لا ما وتی، رانه که دورودیر وه ختیش بو، بو کاتی خوی نان ساز
نه ده بو، ناچار له و گوشت فروشه گوشتم کری و نه م ته عامه مان ساز کرد، شیخ
ناردی گوشت فروشیان هینا، گوشت فروش وتی: نه مه هی مه ری بو، که پیایوی
حوکومه ت به زور له خه لکی ساند بو و هینا یه لای من و سه رم بری نیوه ی نه و بردی و
نیوه که ی تریشی لای من ما، بو فروش شیخ زاده هات و نرخه که ی داو بردی، شیخ
نه بو تاهیری کورد کاتی نه مه ی بیست سه ری داخست و چوه بیره وه و منیش
هه ستام و چومه ده ری و روم کرده نویژگه یه ک که له ونیزیکانه بو و چومه ژوری و
ده سم کرد به گریان و پارانه وه له خوا و عه رزم کرد ته نیا پیریکی ده سگیرم هه بو، خوم

پیوه گرتبو، ئیستاوام به سهر هاتوه، روم نییه ئیتر بچمه خزمه تیان، نه ونه ی پی نه چو ته شریفی په یابو، هاته لام فرموی: هه ره وه ها له گوشت گه ییوی له قه ییش نه گه ی، منیش هه روا له بهر خوا نه پارامه وه و نه لالا مه وه، تاخوا بوم که شف بکا. نه م قسانه له نه فه حاتول ئونسی جامیدایه.

نه لین: شیخ نه بو تاهیری کورد نه مه ویردی زمانی بو: ته مه نم به تاخر گه یی چم کرد؟ چون بوم، چبکه م له کاتی مه وعیزه و په ند دادانیشا به خه لکی نه فه رمو: چده که ن له و روژه دا به ده سی خالیه وه، چده بی نامه ی کرده وه تان پر و چاک و خاوین بی مروف نه بی مروف بی و خوی له نامرو و ثایه تی لادا و خوی ناشیا و له خو فری بدا. واچاکه هه رچاکه بکا و چاک بی و خوله خوی ناچاک پیاریزی و خو پاریز و پارسابی، تاله و دنیا لیوی نه دامه ت به دیانی په شیمانی نه گه زی.

چونکا گه زتنی وا بی چه شتنه و گه زه ی بی مه زه یه. نه وه کاری هه له یه، پیاو نه وه یه بهر له هه له به هه له نه رواریگی راستی خوا له خو بز نه کا، تاله نا کا و سه ره نگه ری نه دا و به ده مه وه تخیل نه بی، خو نه و خیل نه بو، باخیل نه روانی و خو نه دورینی، به فیرو به دوی هه وای نه وس و شه ی تانا نه روا. به خته وه ری خوی ره چاو بکا، چاو بکاته وه تا چاک ببینی و چاکی وه بهر بی.

نه لین: یه کی له ری ره وانی خواناسان له شیخ نه بو تاهیری ویست په ندیکی بدا، نه ویش له وه لاما پیی فرمو: هه رگیز به لین مه شکینه به تایه ت نه و به لینه ی به دوستان به لینت دا وه.

رازی نه م و نه و ده ره مه خه و هه روا به هه و او هه وس ستایشی خه لک مه که و له روی غه ره زه وه به دوی عه یی مه ردوما مه رو، کاتی هه نگاوت به سودی که سی هه لگرت، مینه تی له سهر دامه نی، کاتی چاکه و پیاه تیت له یه کی که وه دی بهر منه تی به و مافی له ده س مه ده تاروژ بو روژ به ره و به رزی سه ره که وی.

سالی له دایک بون و وه فاتی نه م خواناسه گه وره دیار نییه، نه و نه هه یه چهن سال بهر له وه فاتی شیخ الاسلام نه حمده جام بارگهی بهره و لای خواتیکناوه و له مانکی ۵ یامانگی شه شه می سال وه فاتی کردوه نه بی بزاین نه و قسه و باسانه ریوایه تی پیاو چاکانه ده ر حق یه کترده ی بایمه ش چاک بین تاچاکامان بیژن. شیخ نه بو تاهیری کورد له ماوه ی سه ته ی پینجه م تاسه ره تای سه ته ی شه شه م دا ژیاوه و هاو روژگاری شیخ الاسلام نه حمده جامی (نامقی ۴۴۱-۵۳۶) بو وه له سه ره تای سه ته ی شه شه م دا وه فاتی کردوه و به خاجه نه بو تاهیریش ناو براوه. سه رچاوه: پروانه نامه ی دانشوهران ناصری چاپی دوهم جوزئی ۵ چاپی موئه سه سه ی مه تبوعاتی دارولفیکر، پهره ی ۳۶۱ تا ۱۰۲۶۳ و نه فحات پهره ی ۳۶۶ و لوغه تنامه ی دیه خودا پهره ی ۵۶۲ چاپی ۱۳۲۵ هه تاوی.

په نده:

کرکروکه:

نه لین: کرکروکه مه نجه لی میرانه که له ویدا نه بی قسه بکولینی و دای بیژی و بی چیژی جا نه و سابی هاویژی. جاگه ر قسه که ش بو وتن شیاو نه بو قوتی بداته وه.

۱ - شیخ الاسلام نه حمده جامی یه کیک له عاریفان و زانایانی ناوداره که له سالی ۵۳۶ کوچی مانگی دا وه فاتی کردوه.

نه م دوشیره شیخ الاسلام نه حمده جامی فهرمویه تی:

شیر

چوتیشه مباح و جمله بر خود متراش

چون رنده ز کار خویش بی بهره مباح

تعلیم ز اره گیر در امر معاش

چیزی سوی خود میکش و چیزی میپاش

شهره فهدین (ئه حمه د) کوری عه للامه که ماله دین
(موسی)

۵۷۵-۶۲۲ مانگی

ئه شه ره فهدینه کوری که ماله دین ۱ موسی ئه بول فته تح کوری ئه بول
(فهضل) یونس، کوری محمه د کوری مه نعه کوری مالک کوری محمه د کوری
سه عد کوری (عاصم) کوری عابد کوری که عب کوری قه یس کوری ئیبراهیمه و
برازای عیماده دینه.

شهره فهدین (ئه حمه د) کوری که ماله دین له زانستی ئه قلی و نه قلی ها و لفی
باوکی بوه و له خووناکارچاکی و دل و دهرون پاکی و چاکی له باپیره ی چوه و
له فیرگه ی مه لیک موزه فهدین کوری زهینه دین خاوه نی هه و لیر، ده زرییژ و
ماموستا و موده ریس بوه و له زانستی فیه دای پهراره ی (ته نیه ی) نویسه و
کتیبی (ئیحیاء اول عولومی) دوجار کورت کرد و ته وه به ناوی (مختصر کبیر) و
(مختصر صغیر). ئه م زانا کورده هه ر به ئه ندازه ی قنیات کردن که لکی له مال

۱- له لاپه ره ی ئه م راوه باسی کراوه
- له لاپه ره ی ئه م پهراره باسی کراوه

وسامانی دیناوه رگرتوه و دارایی نازوخه نه کردوه، هه مو پول و دراوی خوی و مال و سامانی خوی بهه ژاران داوه و به سه رکه ساساندا دال به خشی کردوه. له قسه به نرخه کانی ئەم زانایه به فرمویه تی: (که سیک که له زانست و هونه ر بی بهش و دارای گهنج و دراوی دنیا بیت، وه کو گوید ریژیک وایه، که کورتان و که ژوی زه ربافتی پیوه بی.)

شهره فه دین (ئه حمه د) له سالی (۵۷۵) ی مانگی له دایک بوه و له سالی (۶۲۲) ی مانگیشدا بارگه ی به ره ولای خوا تیکناوه.

فه یله سوفی میژ و کوری خه له کان هه ولیری^۱ نویسیویه تی: ئەم شهره فه دینه دوا ی ئەوه که ماله دینی باوکی له شهوی دوشه مه ۲۲ ی شه عبانی ۶۱۰ ی مانگی بارگه ی به ره ولای خوا تیکناوه، هاتوته هه ولیرو هه رله و میژ وه دا له جیگای باوکی دانیشتوه و بوته دهرس بیژ و منیش چوکه له بوم ولای ئەو ئەم خویند، نه م بیستوه که س له و باشتر دهرسی دابیته وه.

دوا ی حج کردن له سالی ۶۲۷ ی مانگیدا چوته موسل سهر فیرگه ی (قاهیریه) و خه ریکی فیر کردن و بارهینانی فهقی و زانایان بوه. تا مردوه.^۲

هه ر کاتی ده چمه په ر لانه خه فه تمه؛ که ته مه نمان چهن کورته؛ بوکه لک و ه رگرتن له و سفره ره نگینه (شه پول).

۱ - کوری خه له کان له ۶۰۸ ی مانگی له دایک بوه و له سالی ۶۹۱ ی مانگیدا بارگه ی به ره ولای خوا تیکناوه.

۲ - برّوانه (علماء و نای ماموستا مه لاکه ریم موده ریس.

ته‌دیب
۱۲۹۱-۱۳۵۱ مانگی

ته‌دیب هونەر و خودان هونەر وزاناوله خوا ترس و روخوش، زمان شیرین
ونهرم و سه‌نگین و دل‌تاواو به‌روحم و دل‌لاوین و میوان گروفه‌ه‌نگ په‌روه
بووه، زانستی پزیشکی به‌پی‌باوی ناو‌کوردده‌واری (طبی سنتی) دارتاشی، ئاش
وه‌ستایی، جوان و خوشنویسی ته‌زانی و سه‌ری‌له و جوره هونه‌رانه ده‌رئه‌چو
ته‌دیب له‌نوسینی ویزامه: (بلاووک) داده‌سی بالایی هه‌بووه، له‌دانانی شیعر و هه
لّه‌ستیشدا خودان وزه و به‌هیزوباهو بووه، زوره‌یژا یانه- و ورد ته‌سپی ته‌بعی
لینگ داوه.

زور به‌سه‌ر شیعر و هونینه‌وه دا سواربووه هه‌ر کاویک بیو یستبا - بی‌خو
شلوی کردن، هه‌ر بی‌خوره‌تانندن و خوما‌ندو کردن هه‌ر مه‌به‌ستیک که‌ده‌سی
بدایه‌تی زور ئاسان ته‌ی توانی بی‌دامان و بی‌زور بیر لیک‌کردنه‌وه به‌شیعر دای ته‌ناو
ته‌ی هونیه‌وه.

زانای خوداناس و فه‌ره‌ه‌نگ په‌روه‌ری مه‌زن ماموستاخوالیخوشبو (گیوی
موکریانی) له‌به‌ر کولی دیوانی ته‌دیب‌دا که هه‌ر بو‌خویشی شیعره‌کانی ته‌دیبی کو

کردوه ته ووه و له سهر ئه ركي خویشی له چاپخانه ی كوردستان له شاری هه ولیر له ژیر زنجیره ی ۴۵ دا له سالی ۲۵۷۳ كوردی له چاپی داوه، نوسیویه تی:
نیوی خوی (مه لاره سول) و نازناوی (ئه دیب) ه كورپی مه لاسادق، كورپی خه لیفه ئه وره حماني زهندي یه، كه له بنه چه كدا ئه چیته ووه سه ربنه ماله ی (لوتفعه لیخان) و (كه ریم خان) ی زهند.

ئه دیب له (۱۲۹۱) ی مانگی له گوندي «شاوه لی» له دایك بووه (شاوه لی):
cavale (دبیه كه، له دبیه كانی (لاجانی) به شی حه ومه ی شاری (مه باد) ۱
ئه دیب خویندن و نوسینی باوی كاوی خوی له زوانی عه ربه ی و كوردی و پارسیدا، و هه روه هاله مه عاریفی ئیسلا مه تی خولی خوی، له فیرگه و ناو مزگه وته كانی ناو كورده واری خویندوه.

ئه دیب لای ماموستا (عبدالرحیم) ی وه فایی مه باد ی خویندویه تی.
ئه دیب باش مه لا و موده ریس بووه و له هه ر گوندیک بوپی به به راتی موده ریس ی ژیاوه، زیاتر به كوره ئاغاواتی دهرس داوه و موچه و براتی لیوه رگرتون یا له ریگای پزیشکی و دارتاشی و ئاش وه ستایی یه وه پی بژیوی خوی دابین كرده.

۱ - گوندي شاوه لی: ۳۴ کیلومتری خورئاوای شاری مه باددایه و ۱۹ کیلو متری خورائه وای جاده ی پیرانشار به نه غه ده.

گوندي شاوه لی كوستانه. به لام زوریش ساردنییه (میشی مالاریا: كه وته یی هه بوه) حه شمه تی ۲۷۹۵ كه سه و هه مو كوردن و شافعی مه زهه بن. خه لکی ئه گونده، له تاوی چومی نه غه ده ئه خونه وه به ره می ئه و گونده دانه ویله، توتن، گهنم و جو یه.

خه لك له و گونده دا خه ریکی چوت و گاومه رومات دارین، كاره سستی ئه و دیه بریه تی یه: له حاجم، ده سكیش و پوزه وان و به رمال و كورپسن و ره شكه ی كا كیشن چینین و ریگا بوئه و دیه، كویره ریگایه و هیمان ریگای خوشكراو ئیسفالته و كاره باولوله كیشی ئاوی نییه. به لام مه لای موده ریس و فیرگه و مزگه وتی جومعه و جهمعه تی هه یه.

ئهم به شه م له په راوه ی فه ره ننگ و جوغرافیای ئیران به رگی چاره م وه رگرتوه (شه پول)

ماموستا ته ديب له ژينا توشي چه رمه سه ري و کوچه له کوچ و دهر دو مه ينه ت بووه، هه ميشه به قهرزاري ونه داري و دهس کورتي ژياوه.

له دوا ژيانيدا روي کروو ته گوندي (سه رگيز) و بووه ته ماموستاي کوره کاني ته وره حمان ئاغاي ته وي، به لام مه لا شيخ مه حمودي کي ليوه له گه ل ته ديدانه سازاوه و توشي گيره و کيشه دي و ئاغادي ته کا به گژ ته ديب دا، جاهه ر له بهر ته مه ته ديب ته داته باري کي و بنيسي و له (۱۲) ي جومادي يه که م له سالي (۱۳۵۱) ي مانگيدا بارگه ي به ره و لاي خوا تيکناوه و له سه ره و سه يه تي خوي له وي ناي نيژن و ته رمه که ي ته به نه وه بوگورستاني (ده ربه ند).

ده ربه ند ناوه بو ته م گوندا نه:

۱- ده ربه ند، له ديه کاني به شي سندوسه وله ۱۳ کيلوميتري باکوري خورئاو اي نه غه ده دايه وله ۴/۵ کيلوميتري باشور اجاده ي (شنو) بو نه غه ده يه له داوينه دايه، هه وا که ي سارد و سالمه ۱۰۷۸۹ کهس حه شيمه تي هه يه و کوردو شافيعين له ئاوي گاده رئاو ته خو نه وه و و کاري خه لک جوت و گاو دانه وي له و گه نم و جو و توتن و ريگاي ته و گونده کويره ريگايه و کاره باولوله کيشي ئاوي نيه.

۳- ده ربه ند له ديه کاني ده شتي (سيلواناي) لاي (ورمي) يه وله ۱۰/۵ ک باکوري خورئاو اي سيلوانا دايه و که و تو ته - ۶ کيلوميتري باکوري ريگاي ته رابه ره وي (چومي به د کار) بو (ورمي) له دولايي دايه و سارد و سالمه و ۱۹۹۰ کهس حه شيمه تي هه يه و کوردو شافيعين . له کاني ئاو ته خو نه وه و کاري خه لک جوت و گاو مه رو هالا تداري و دانه وي له چاندين و توتن کردنه و کاري ژنانيش مال داري و مه ر دوشين و رزق به ره هم هين و جاجم و گوره وي وره شکه و بهر مال کردن، پاسگاي ژاندرمري ليه و ريگاي خا کي بو ته چي.

۴- دهر به‌ند گوندیکه له ديهستاني گهورک به‌شی حه‌ومه‌ی شاری مه‌باد کویستانه‌وله ۵۰ کیلومتری باشوری مه‌باد و چار کیلومتری باشوری خوره‌ه‌لاتی جاده‌ی (مه‌باد) بو (سه‌رده‌شت) ه ساردی سالمه و ۴۹۷۶ که‌س حه‌شیمه‌تی هه‌یه‌و کورد و شافیعی مه‌زه‌بن. له‌ئاوی چه‌می (جه‌مالدی) نه‌خونه‌ وه‌وخه‌ لکیش خه‌ریکی کشت وکال و مه‌ر و مالآت داری و تو چاندن و توئن و دانه‌ویله‌کردن و شتیوا نه‌که‌ن ژنانیش جاجم به‌رمال و کاری مالئی ده‌که‌ن کویره‌ ریگانه‌چی بو نه‌ودیه.

۵- دهر به‌ند له‌ ديه‌کانی دولی به‌شی شاری (ورمی) یه‌وله ۵۰ کیلومتری باشوری (ورمی) دایه‌ و که‌و توته ۶ کیلومتری جاده‌ی (ورمی) بو مه‌باد له‌ دولایی دایه، ساردیکی سالمه ۶۷۹ که‌س حه‌شیمه‌تی هه‌یه‌ و کوردو شافیعی، له‌ئاوی کانئ نه‌خونه‌وه‌کاری خه‌لک جوت و گاو مه‌رو مالآت داری و گه‌نم و جو و توتن کیلان، و ژنانیش کاری مال و به‌رمال و جاجم کردن و په‌شکه و گوریس چینه، ریگای گوند کویره‌ ریگایه.

ئه‌دیب له‌ دهر به‌ندی دولی نیژ راه. ماموستا گیوی موکریانی نوسیویه‌تی: ئه‌دیب به‌زوانی کوردی و پارسی و عه‌ره‌بی و روسی شیعی زوره‌ ماموستا گیوی موکریانی نوسیویه‌تی: به‌ سه‌ره‌ات و هه‌ندی له‌ شیعه‌ کوردی یه‌کانئ ئه‌دیم له‌ (مه‌لاقاسم زه‌ندی برازای مه‌لاره‌سولی ئه‌دیب و هه‌ندیکی دیکه‌یشم له‌فه‌قی (سمایل، سه‌رما بردو) ده‌سکه‌و تون، ئه‌م (فه‌قی سمایله) زورده‌نگ خوش بووه‌وزیاتر له‌ ۵۰ سال چریکه‌وئاوازی کوردی به‌ده‌ف و ده‌نگی خوشی خوی بو خه‌لک دوپا ته‌کرده‌ته‌وه‌و له‌م ریگایه‌وه‌ زوانی کوردی فیری خه‌لک کرده.

ئەمەش چەن شیعرو ھەلبەست لە ئەدیب:

عەجەب ماوم کە پەسوی بوته تاران بوونی خاکی
ئەبی بمری لە دەردی بی وەلامی عاریز و شاکی
هەتا ویستا لە بو بیچارە، جیی لوتف و عەدالەت بویی
لەبەر بەد بەختی خۆمە دادخوازی، بوته، بیباکی
دەسووم داسی ئومیدم، بو دەرونی مەزرەعی لوتفت
پەرەیی خوشەیی رجا و ئارەزوم، ماخاروخاشاکی
وہ بگرە چو لە کیک بم من موتیعی ئەمری ئیسلام
لە ئیجرائی حەق تەسائیح حەقە بو ئەمری زاکی
لە (لاجان) و (شنو) مەلجە نەماوە مولتە جی بم پی
کە ئاغاش لیم نە پرسی دابنیشم بە غەمناکی
ئەگەر مەیلت نەبایە زیر خریدی کەس نەبو (لاجان)
ھەمیشە چاوەریی لوتفی چاوی غەمناکی
(ئەدیب) یش، ھەم بە روژی خوی بە کاری گیان نیساری دیت
دریخی لیمە فەرمو بیخەتا، روی رەحمەتی چاکی
لە من وابو کە بیچاران لە سایەت بیخەم و دەردن
کە (لاجان) بیته (تەوریز) خۆم فیدا کە مبابە چالاکی
ئەمەش چەند شیعری تر کە لە گەل دەرویشیکدا دەمەقالە ی بوو:
(لن ترانی) وتی: پیم ئەم (لن) ەنەفی ئەبەدە
من گوتم جاھیلی تو دەم وەرە لەم جیگە مەدە

چومه پیش نهختی به عونوانی نه سیحه تکاری
گوتم: ئەی مەردی حیسابی ئەتەوی دینداری
رەسمی دەرویشی که خاموشی یه دل هوشیار
چت له ئایات و موعەمما و مەسەلە ی عەبیاری
حەللی ئەم مەسئەلە هەلاجی نیه تیری ئیزای
موتەغەبیر بولەسەر ئەم قسە دەرویشی حەزین
نەدە گونجا لە هەراسانی لەسەر رویی زەمین
بەنەسیب ئەم کەسە بی یە کسەرە خاریج بو لە دین
سەگ پاشی نەدەژی ساتی له بەرشیدەتی قین
هەر وه کو کاکە رەزا فەرمویە لیم بووه سەگی هار
کوتی موسام و له ئەم عەسرەوه مەئموری خودا
زاهیری تەن بەشەر و باتنی لەم خەلقە جودا
ساحیبی موعجیزە و قودرەت و حالات و عەسا
یەدی بیزا و وحوزور و قەدەم و توری نیدا
تو که فیر عەونی ئەبی حوکمە بخنکیی له بیجار
بەلی مەعلوم بو تەبیعی لە شەرعیەت بەدەرە
بە تەبیعی چ بلیم (ئایەتی حەق بی سەمەر)
مەعنی قەولی خودا قیسمةتی ئەهلی بەسەرە
هەر لەبو ئەهلی سەفا بەندە ئەدیب خاکی دەر
چم لە موسایە، کەسەر زاری دەرویش...
ئەمش پینجینە یەک لەسەر شیعری تاهیر بەگ که مەبەستیکی عەشقی خودابی دەگە
یینی

کی دیتویه واحوسن وله تافهت له به شهردا
چاوت که هه مو غارهت و قه تلی له نه زهردا
قه تلی منی مه زلومی به یه ک غه مزه خه بهردا
قوربانی روخت بم که شکستی به قه مهردا
حه یرانی له بت بم که ره واجی به شه کهردا
ئه مرو که له بهر خالی تو موسته غنی له میشکم
بو شاهیدی دهردی دلی شهیدا له بی وشکم
چون هیندوه دهرون پر خه م و خویناوی سرشکم
خاکی نییه بیکه م به هه وهس گاهی به سهردا
تابو به له دی خال و خه تت بیمه موتالات
سه یری قه مهرو له علی له بت کم قه دو بالات
دل رویوه قوربان له وجودم به خه یالات
دائیم له سه فهدایه ئه گهرچی له حه زردا
تاوه سلی له ئاوینه دی به ته فه ئول
په روانه به روی شه معی نه ما تابی ته ئه مول
له وسه یلی غه مت نابی ئه مانم به ته خه یول
ناحه قی نییه گهر نه وهسی، پردی ته حه مول
سیروانی سرشکم که ده کا هازه له سهردا
له و روژه وه روی کرده، چرای به زمی حه ریفان
واچاره بی من بو وه ره قی زهردی خه ریفان
گهر نه یو له بهر مه ستیه پهروای ئه سیفان

ئە ديب ئە مە يش (موسەمە تي) كوردی له شيعره كانی ئە ديب
روت شه مسی ته موزه هه مو پرتابش و تاوه
ئە گريجه یی چين چينه له روت په خش و به لاوه
حه يرانی ده مت بم به مه ثل شوشه گولاوه
قوربانى دوزولفت كه ده لى سونبولی خاوه
مه يلت ئە وه چه ن روژه له سهر وعده نه ماوه
روژی نیه مه ستانه كه عه هدی نه شكینی
وهك كا هروبا ئه و دلی مسكين نه رفینی
وهك قه وس و قه زه ح ساتی به رنگی ئە نوینی
بی گیان، به دنی خهسته جه گه را بوچی ده مینی
وهك شوشه ی ناسك دلی بیچاره شكاهه
پیم فه رمو گونا هم چیه ئە ی سه روی دل آرام
چیدی مه كه دل ره نجه ئە سیری منی ناکام
كو طاقتی ئە وه جه وه ره هه مو تاب و توانام
ئە بروی كه چت حالی ده می مه رگی نیشان دام
ته هدی دی سه ری تیری مژانت به علاوه
ئاواره به دبخت مه گه ر وامقی عه ذرام
له ومه م چه ده كه ن كو شته و سه ر گه شته یی له یلام
غه رقی غه م و سه ودا سه رو ئاشوفته و شه یدام
بو دانه یی خالت به فریب چوم دلی كیشام

سهرتاسه‌ری ده‌وری قه‌مهرت دانه‌و داوه

سیوی چه‌نه‌ک‌ت ئاوی حه‌یات و چه‌هی زه‌مزهم
ئه‌ی گیانی عه‌زیزم به‌فدای ئه‌وسه‌رو په‌رچه‌م
ئه‌ورو، که‌ده‌لیم خاکی هه‌مو‌ده‌ر وه‌سه‌رم که‌م
پرسیم: چه‌یه؟ ده‌رمانی برینی دلّی پرخه‌م
فه‌رموی: که‌ده‌وای سه‌خته «ئه‌دیب» کاری ته‌واوه

غزل:

چاوه‌ک‌ت مه‌سته‌به‌ناخه‌ق فی‌ری مه‌یخانه‌ی مه‌که
لی‌گه‌ری مه‌خموری به‌زمی دوردی په‌یمان‌ه‌ی مه‌که
زولفی س‌ازاوت ده‌سا ته‌رتیب وچینی تی‌ک‌مه‌ده
حه‌یفه‌توشی جه‌وری ریشو‌کیشی له‌رزان‌ه‌ی مه‌که
په‌رچه‌مت جی‌ئاشیانه‌ی بولبولی طه‌بعی منه
چونکه‌کیشکچی شه‌وه، تو‌مه‌نعی هی‌لان‌ه‌ی مه‌که
گه‌رده‌نم پی‌خوشه‌حه‌لقه‌ی ت‌ای طه‌نافی زولفه‌ک‌ت
چاوه‌که‌م ئیتر حه‌واله‌ی طه‌وق و زولان‌ه‌ی مه‌که
دل‌به‌مه‌یلی خوی ده‌میکه‌عاشقی بالاکه‌ته
تو‌خودا م‌ایل به‌غه‌یری خو‌ت و بیگان‌ه‌ی مه‌که
هه‌رله‌ئه‌وه‌ل تو‌لدلت بردوم به‌نازی چاوه‌ک‌ت
تازه‌فی‌ری راه‌وره‌سمی طه‌بعی په‌روانه‌ی مه‌که
عاشقی خونچه‌ی ده‌مت تاکه‌ی ده‌بی ئاواره‌بی
مه‌حره‌می رازه‌حواله‌ی چول و وه‌یرانه‌ی مه‌که

وابه رسوایی له‌ناو ئه‌م خه‌لقه ئه‌فسانه‌ی مه‌که

مه‌حفوز له‌به‌ر کوششی عوششاقی خه‌فیفان

وه‌ختی که‌ده‌کا خه‌نجه‌ری تیژی به‌که‌مه‌ردا

ناپرسی له‌به‌ر حه‌شمه‌ت و ئیقبال و جه‌لالت

له‌و (کیۆکه‌نی) کوشته‌به‌ئومیدی و یسالت

شیرینه‌به‌شیدا ئه‌لم و ژه‌هری وه‌بالت

ئه‌ستیره‌هه‌مو مه‌حوه له‌نیو نوری جه‌مالت

چون شه‌مسی روخی تو‌شه‌وی گیراوه به‌فه‌ردا

ئه‌ی بو‌ئه‌له‌می من که‌تو لوقمانی ئه‌مینی

شیرین ده‌هه‌ن و شوهره‌ی ئافاقی، زه‌مینی

جاری بلی بیچاره «ئه‌دیب» بوچی حه‌زینی

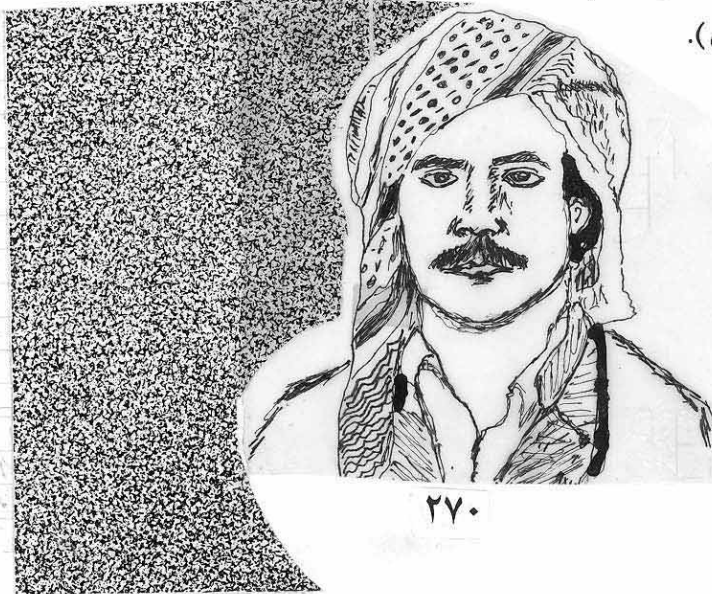
مه‌یلی هه‌یه‌تاهیر که‌پرسی له‌برینی

له‌و دل‌به‌ره پرسن که‌چ تیری له‌جیگه‌ردا

سه‌رچاوه: دیوانی ته‌دیب چاپی هه‌ولیر چاپی ۲۵۷۳ کوردی چاپخانه‌ی

کوردستان چاپی یه‌که‌م گردو کوکه‌ره‌وه‌ی: گیوی موکریانی که‌له‌ ۳۹ لاپه‌ره‌دا چاپکر

اوه (شه‌پۆل).



ئهلماس خان

ئهلماس خان (نهك خان ئهلماسي لورستاني)

ئهلم ئهلماس خان - ه پله و پايه ي سهرهنگي بووه و به سهرهنگ ئهلماس خان ياميرزا ئهلماس خاني كه ندوله يائهلماس خاني كوردستاني ناوداره و مه نزومه يه كي له بابته جهنگه كاني (نادر شاي هه وشار) داناوه و به شيعر هونيويه ته وه سهرهنگ ئهلماس خان يه كي كه له شاعيراني پايه به رزوته رزي روژگاري نادر كه رهم و به زمي ليك داوه و له سوينگه ي تهبعي ره وان و به هيزي خوي (نادر نامه و توپال ۱) ي به شيعر و توه. ۲

ههروه ها (ههفت له شكر، شيرين و فههادو خورشيد و خه رمان) ي داناوه. ئه م شاعيره ناوداره كه به ئهلماس خاني كوردستاني ناوداره، فه رمانده ي تيب ي سنه بوله كاتي نادردا. له جه نكيك دا كه له مانگي سه فه ري ۱۱۴۶ ي كوچي مانگي له نيوان نادر و سپاي توركي وه سمان ي به فه رمانده يي (توپال وه سمان

۱- توپال فه رمانده ي سپاي عوسماني بووه له ۵ ژي سه فه وي سالي ۱۱۴۶ ي مانگي له گهل نادر شاي هه وشار - حديقه ي سلطاني نوسراوي كاك محمدعلي سلطاني ج - په ره ي ۱۰۰ چاپي ۱۳۶۴ ي هه تاوي.
۲- مه نظومه يه كه له شه رح ي جهنگ كاني نادر شادا (لا په ره ي ۱۵۵ گو لژاري ئه ده بي لورستان نوسراوي كاك ئه سفه نديار غه زه نفه ري ئومرائي چاپي ۱۳۶۴ ي هه تاوي.

پاشا) روی داوه، جاله سوینگه‌ی شهرنه کردنی سهره‌نگ ئەلماس خان به‌دژی
عوسمانی و مل‌بادان له‌فه و مانی نادرشا تیبی سنه مه‌جبور به‌کشانه وه‌ئه‌بی.
(سرجان مالکم) نوسیویه‌تی: ئەمه بوه‌هوی تیشکانی نادر. میرزا
مه‌هدیخان له‌کتیبی جیهانگوشای نادریدا نوسیویه‌تی: دوا‌ی ئەوه‌ئیترا نادر نه‌ی
توانی نه‌زم له‌نا و سپای خویدا دامه‌زرینته‌وه. جاهەر له‌به‌رئه‌مه سهره‌نگ
ئەلماس خان که‌وته به‌ر غه‌زه‌بی نادر و ته‌نانه‌ت ئەلین: سیره‌تیشی برپوه.
میرزا شه‌فیع خه‌لکی بیلوار (رزله‌یا مامیزک) که‌له ده‌زگای خوسره‌و
خانی یه‌که‌می میرمیرانی کوردستان له‌ساله‌کانی ۱۳۰۶-۱۱۶۸ حیساب‌داری:
(موسته‌وفی) دارایی ولات بوه‌وله‌بره‌ شیعریکدا ئیشاره‌ی بو‌ئه‌وه کردوه، ئەم
روداوه دل ته‌زینه نامروفانی یه‌بوته‌هوی ئەوه‌ی که سهره‌نگ به‌وه‌جاخ کویری
بمیری چونکا گه‌نج بوه‌که‌ئه‌وبه‌لایه‌ی به‌سه‌رها‌توه.

ئەلین میرزا شه‌فیع ئەیه‌وی بچیتته‌دیداری سهره‌نگ ئەلماس خان
که‌زوریان یه‌کترین خوش‌ویستوه، به‌لام له‌ریگا ئەبیس‌ی که‌سه‌ره‌نگ ئەلماس
خان ئەوشاعیره‌به‌ناو بانگه‌ناسک خه‌یاله‌ بارگه‌ی به‌ره‌ولای خواتیکناوه ئەروا
له‌جیگای ناشتنی ئەپرسی و ئەچیتته‌سه‌رمه‌زاری و په‌ژاره‌یه‌کی زور روی تی
ئه‌کاوتهم شین نامه‌ی به‌ناوی (سه‌رای خاموشی) دانه‌نی و به‌کولی گریان له‌سه‌ر
گلکۆکه‌ی ئەی خوینته‌وه‌وله‌وه‌ش که‌خان ئەلماس خان منالیک‌ی نه‌بوه‌که‌جیگای
باوکی بگریته‌وه زورخه‌فه‌ت ئەخواوتهم‌شین نامه‌ی بودائه‌نی:

سه‌رای خاموشی:

میرزام خاموشان - میرزام خاموشان.

موباره‌کت بو سه‌رای خاموشان.

نوشت بویاده‌ی بیهوشی نوشان.
نزیکی یاران گل کهنه‌ن پوشان.
نومید و هیعجاز دوعای خاسان بو.
سزای گور ئه‌فشار و هلیت ئاسان بو.
دومای ئه‌لماس‌خان، خان لال شیوه.
کره‌ی ته‌مویره کهس نیووه پیوه.
واتا: دوعای ئه‌لماس‌خان له‌عل پوش کهس نه غمه‌ی ته‌موره‌ی نه بیستوه.
میرزام ئی دهرده، وه‌من بی‌کاری
تویله دهس نیشان ژه ویت نه‌داری
سه‌روه‌رم ئه‌م دهرده له‌من‌کاری کرد - منالیکیشته له پاش جینه‌ماوه که‌وه‌جاخت
رون بکاته‌وه وده‌س په‌روه‌رده‌ی توبی له‌ناو دوستانا.
فه‌رزه‌ن هه‌رخاسه میوه‌ی باغت بو
هه‌م شادی هه‌م زه‌وق هه‌م چراغت بو
هه‌روه‌قت به‌مرین جانشینته
کوری ۱ دوشمنان دنیا و دینته
وه‌ته‌فریح مه‌کی سه‌یر باغانت
وه‌ناز مه‌گیلو، وه‌دیوانخانت
له‌وه‌خت پیری بگیرو ده‌ست
هه‌م وه‌دلسوزی بکه‌ری قسه‌ت
ئه‌گه‌ر ژه ته‌لی گولی که‌نده‌بو
روحه‌م شه‌رمه‌نده‌ی خودا و به‌نده بو

ټه گهر له تهنه ی دار شاخه یه ک بکه نری گیانم لای خواو بهنده کانی شهرمه ساره،
ټیستان شهرمه سارم که بوچ دوا ی تو ټه لماسخان زیندوماوم و مهرگت ټه بینم.

عه زیزم میرزام هاو سه رای گل
قه لبم پر باره - بیرازم ژگل

هه ی ها وار ژدهس چه رخ نافه رجام
باساکیم به ربی ژه دهس چی میرزام
ټه ی هاوار له دهس ټه م چه رخه بی فهرجامه دودمانم

تیاچوه، چونکا باشتترین یا رویاوه رم له دهس چوه
بار تا بیوشم به رگی ژه پلاس
خوین گری شه فیح به عده زخان ټه لماس. ۱

خان ټه لماس لورستانی کورپی محمه د به گ لورستانی یه وله وه ټه چی له
سالی ۱۰۷۲ کوچی له لورستانا له دایک بوبی و لای باوکی ده رسی خویندوه و
خه رقه ی ټیرشادیشی هه رله باوکی وه رگرتوه و به گه نجی خه ریکی خویندنه وه ی
دیوانی شیعر ی شاعیرانی کوردو یارسان بوه و زه وقی شیعروتنی گولی کردوه و
شیعری زوریشی به زمانی زگماکی و دایکی دانا وه و که و توت به ردل و سه رنجی
زانایان و هونه ر دوستان.

خان ټه لماس لورستانی که خوی له پیاوه ناودار و مه زنه کانی یارسان
دیته ژمار، له سالی ۱۱۳۴ کوچی مانگی کتیبکی به ناوی (که لامی خان ټه
لماس) که پیشگویشه به نه زم دای ناوه پیشگویه کانی وه کوهی ته یمور بانیارانی

۱- کاک محمه دهلی سولتانی نوسیویه تی: شاعیر ته موری چاک لیداوه و خان ټه لماس خان له
ساله کانی ۱۱۸۰ ی مانگی له ژیاندا بووه و له نیوان ساله کانی ۱۱۹۰ تا ۱۲۰۰ ی مانگی وه فاتی
کردوه.

وئیل به گی یه، که که وتوته بهر سه رنجی ئه هلی حه ق.
خان ئه لماس لورستانی له سالی ۱۱۳۸ کوچی بارگهی به ره ولای خوا
تیکناوه وله لورستان نیژراوه و ۶۶ سال ژیاوه - ئه مهش نمونه ی پیشگویه کانی:

یاوه ران ئاشو

یاوه ران ئاشو، یاوه ران ئاشو
نوتق ئه زه له وهر خیزو ئاشو
یاوه ران به ئیوه خه بهر ئه ده م ئاژاوه ئه بی قسه ی پیشینه که ئاژاوه ئه بی.
یانه ئه خیاران کو به سته ن کوکو
هه ی داد ئه و روژه گو و مه گو بو
حوکم شاهان تورک ته تهرمه یو
یهوم یهوم زیای جه و به تهرمه یو
دهس داران بی دهس بیده سان نو بو
بیلال جار مه دی واحیدان رو بو
نه میهر نه محبه ت دل بی زه وق مه یو
خوشی زه مانه گشتی چی ته وق مه یو
ئه لماس خان (نه ک خان ئه لماسی) لورستانی یه کیک له شاعیره هه ره
گه و ره کانی کورده که به زاراهه ی هه ورامی کون شیعر و چامه ی داناوه و
شوینه وازه کانی وه ک نادر نامه و شانامه ی کوردی، له گه و ره ترین گه نجینه ی
ئه ده بی گورانی کورد له قه له م ده درین.

۱- بوزانی نی ئه م مه به ستانه پروانه گولزاری ئه ده بی لورستان نو سراوی ئه سفه ندیار غه زه نفه ری
ئومهرانی چاپی هاوینی سالی ۱۳۶۴ کوچی هه تاوی. وهه روا پروانه حه د یقه ی سولتانی چاپی
سالی ۱۳۶۴ کوچی هه تاوی.

ئهلماس خان له نیوهی دوهه می سهدی دوازه هه می مانگی دا، له ده ورو بهری سالی (۱۱۸۰) دا ژیاوه و رهنکه له ئاخرو ئوخری هه ر ئه و سه ده یدا، له بهینی ساله کانی (۱۲۰۰-۱۱۹۰) دا کوچی دواپی کردبی.

به ریز محمد علی سولتانی قه له م جوان له پیره پیاوانی ناوچه ی که نو له و گاوهروی ژنه فتووه، که ئه م شه ره، له نیوان نادر و هیندووه کان دا بووه. به هو ی ئه م پاشه کشی یه وه نادر شاه، ئه لماس خان زور سهخت ته مبی ده کا.

ئهلماس خان ئاخوین ساله کانی ژیانی له ئاواپی که نو له راده بویری و له ی دا خه ریکی باغه وانی و ته نبوره ژه نی و دانانی کتییی شانامه ی کوردی و نادرنامه ده بی، وه ک ده لین جگه له و دو کتیه چه ند شوینه واری تریشی هه یه. به لام شاکاری ئه لماس خان، هه ر شانامه ی کوردی یه.

یه کیک له به شه هه ره جوانه کانی شانامه ی کوردی، داستان و حه ماسه ی روسته م و زورابه. به پیی شانامه ی کوردی، سوهرابی کوری روسته م کورپکی ده بی به ناوی برزو، دایکی برزو ناوی (شه هر ئاشووب) ه و کچی قلیچ خانی هه و شاری یه.

کاتی زوراب (سوهراب) به ده سته می باوکی ده کوژری و برزو، گه وره ده بی، شه ریک له نیوان سپای ئیران و توران، له ده ورو بهری کرماشان دا روده دا. له و شه ره دا، برزو، به گورزی گران، شانی روسته می باپیری ده شکینی و له پاشان برزو، به ده سته فه لامه رز (فه رامه رز) سه رداری سپای ئیران دیل ده کری.

کاتی شه هر ئاشووب، ئه م خه به ره ی پیده گا و ده زانی، که برزوی کوری دیلی سپای ئیرانه، له وه ده ترسی، وه ک سوهرابی باوکی بکوژری، بریار ده دا شه و بچیته لای روسته م و رازی برزوی بو بدرکینی.

شه هر ئاشووب، ئه و شه وه خه و له چاوی ناکه وی و برزوی کوری ده لای وینیته وه.

ئەم لاواندئەووەیە، کە لە زاراوەی ناوچەیی کرماشاندا پێی دەلین (وای
گیڕان) جوانترین بەشی شانامەیی کوردی یە.
شەهرا ئاشوب بەم جوۆرە کووری گەنجی دەلاوینتەووە روۆ روۆ لە شناسنامەیی
کوردی دا:

موات ئەهی روۆلەیی نەونەهالم روۆ
فرزەندی سوهراب، نەسل زالم روۆ
ئەو شیر جەنگی نەونەمام روۆ
سالاری سەرھەنگ نەسل سامم روۆ
شیر شیر شکەن، شیر ئەنگیزم روۆ
دلیر دادەیی کینە خیزەم روۆ
بەور شیر شکەن، روی مەیدانم روۆ
دلیر دادخواز سەر ھەدانم روۆ
شەیدای شوری بی ئامانم روۆ
وینەیی سام سوار قەھرەمانم روۆ
شەیدای میرشکار، کووی (ئەمرۆلە) م روۆ
تا وە قیامت روۆلە، روۆلەم روۆ
ئەو ساحەب گورز و تیغ بە خشم روۆ
نەوشیروان ھەیبەت، حاتم بەخشم روۆ
برزوی شیر ئەژدەر میر شکارم روۆ
قەتیران باز، وەقین و قارم روۆ

۱ - واتاو مانای واژەکان: ئەمرۆلە (ھەمرۆلە): ناوچەییە کە لە بەینی سنەو دیواندەرە و دی گولان.

دلیر سه‌فدرا^۱ روی مه‌یدانم رو
باش بالا^۲ وه‌نده‌ک‌ه‌ی که‌یانم رو
فله‌ک داد ژ ده‌ست زایه‌له‌ی بی شه‌و
په‌ی جه‌ان‌جوّم داد، په‌ی سوهرابم رو
په‌ی پرزوی شیر جو، شه‌ر ئه‌نگیزم رو
په‌ی سوهراب یه‌ل، ره‌ستا خیزم رو
په‌ی روّله‌ی دلیر، ساحب گورزم رو
نه‌ریمان قامت، چون ئه‌لبورزم رو
روّله چیش^۳ که‌روم^۴، چه‌نی بیده‌نگیت
چیش که‌روم چه‌نی قه‌لان^۵ جه‌نگیت
چیش که‌روم چه‌نی ره‌خش سه‌رمه‌ستت
کی گيرو^۶ به‌ دست ئه‌ژده‌ای ده‌ستت
روّله چیش که‌روم، وه‌یی چه‌رخ گه‌ردون
وه‌ی پر جه‌ زینهار، بی شه‌رت، بی شوّن
فله‌ک نه‌ به‌ختم چه‌رخه‌ش چه‌مه‌ره‌ن^۷
هه‌ر ساتی ره‌نگی، سه‌وداش نه‌سه‌ره‌ن^۸

۱ - سه‌فدر: سه‌ف‌در - سه‌ف شکیّن.

۲ - باش بالا وه‌ند: سه‌روکی خیلی بالا وه‌ند - سه‌ر خیل بالا وه‌ند.

۳ - چیش: چ، چیه، چ ده‌بو.

۴ - که‌روم: کردبام - بکه‌م

۵ - قه‌لان: کوّی قه‌لایه - قه‌لاکان.

۶ - گيرو: بگری

۷ - چه‌مه‌ر: خولان - چه‌مه‌ری ئاهه‌نگی تایه‌نی مردو ناژنن که‌ به‌ ده‌هول و زورنای ده‌ژه‌ندری، کوته‌ل گيران.

۸ - نه‌سه‌رن: هه‌تا سه‌ر نییه.

روڤه‌ی سه‌همناک، نه‌وجه‌وانم روڤ
نه‌و ره‌سته‌ی نه‌و حال، گورز وه‌شانم روڤ
روڤه‌ی سه‌همناک جه‌مین پاکم روڤ
به‌بر سام سه‌وله‌ت، سینه‌چاکم روڤ
فرزهنده، به‌سه‌ر گه‌رد^۱ تیغ و گورزت بام
وه‌نه‌زر^۲ بالای چون نه‌لبورزت بام
وه‌نه‌زر بالای نه‌ونه‌مامیت بام
وه‌نه‌زر باهو^۳ی قه‌هره‌مانیت بام
وه‌نه‌زر دیده‌ی شه‌و بی^۴ خاویت بام
وه‌نه‌زر شیوه‌ی چون سوهرابیت بام
فرزهنده، وه‌سه‌ر گه‌رد، دیده‌ی مه‌ستت بام
په‌ی ده‌ر ساخی، دیل خاس که‌سه‌ت بام^۵
په‌سه‌ندی (شه‌پول) به‌شعیری کاک محمه‌د ره‌ئوفی ته‌وه‌کولی:
شه‌پول دلسوزه‌که‌ی کورد و ولاته
له‌سه‌ر کوردان بکوژی پیی^۶ خه‌لاته
مه‌رگ لای وی وه‌کو ئاوی جه‌یاته
له‌کاریدا ده‌قیقه‌وه‌ک سه‌عاته

۱- به‌سه‌ر گه‌ردی: قوربان - فیدا - ده‌سهرت گه‌ریم.

۲- نه‌زر: قوریانی

۳- باهو: هه‌یکه‌ل - شان و باهو

۴- خاو: خه‌و

۵- نه‌قل له‌نوسراوه‌ی کاک نه‌حمه‌د شریفی به‌ریز که‌له‌کوواری سروه‌ی ژوماره ۹۸-۹۷ په‌ره‌ی ۳۰ و

۴۰ له‌چاپدراوه (شه‌پول).

گهلی عاشق به تاعات و سه لاته
قسه‌ی خوشه ده لیلی نوقل و نه باته
به ئومیدی خودا ئه هلی نه جاته
هه میشه کار و پیشه‌ی هر خه باته
بوگه شه و نه شه‌ی فره‌نگ ولاته
ریگای وی هر خه باته بو نه جاته
بو کورد و بو کورده واری
بو بوژانه وه و ژیانی فره‌نگی
به ئیراده یه و لی نه وه
ئازایه، دل قایم و پته وه
ئه وه خاوه نی گرشه
نوسری میژووه، به ورشه
تومار ده کاناوی زانایان
بو کورده مایه، بو دانایان
بو راگرتنی ئاداب بو کوردی
دانه‌ری ته فسیره بو قورئان به کوردی.

□ کاک محمد رثوف توکلی که له بانه له ۱۳۰۹ی هه تاوی له دایک بووه و دارای لیسانسه و ده‌بیری بازنشته‌یه و تائیس‌تائمه په‌راوانه‌ی نوسیه: تاریخ تصوّف در کردستان و جغرافیا و تاریخ بانه چاپی ۱۳۵۴ و تاریخ تصوّف در کردستان چاپی اشراقی بدون تاریخ که در ۱۳۶۴ به بعد چاپ شده، چهار امام اهل سنت و ئه‌م کتیبانه به کوششی وی له چاپ دراون: حدیقه‌ی ناصری تالیف علی اکبر وقایع نگار، سیرالاکراد تالیف عبدالقادر فرزند رستم بابانی، بدایع اللغه فرهنگ کردی فارسی تالیف علی اکبر وقایع نگار. شه پۆل

ئه بول وه فا كانيمشكاني^۱

نيو: (تاها) ناودار به ئه بو وه فا موعته مه د كوري خواليخوشبو حاجي شيخ محه مه د موعته مه دول ئيسلام كه يه كيگ له گه و ره زاناياني په يره وي رچه ي ئيمام شافعي بوه له كوردستانداو ساله هاي سال له كوردستاندا خه ريكي ده رس وتنه وه ي زانست و مه عاريفي ئيسلامي و فتوادان بوه و يه كيگه له مه شاخه ي كاني مشكاني هه ريمي كوردستان، ئه م بنه ماله به فه زل و ته قواناوداره و ته كيه و خانه قاي ئه وان له م سه رده مه شدا له گوندي كاني مشكان له دو فرسه خي شاري سنه هه رماوه و خه لك هيمانيش هات و چوي ئه كه ن.
ره چه له كي ئه م بنه ماله به پي شه رجه ره يه ك كه واله ده سدايه ئه گاته وه (قوصه ي) باپيره ي چاره مي پيغه مبه ري مه زني ئيسلام.
جيگاي له دايك بون و پيگه يشتن:
شاري سنه ناوه ندي ئوستاني كوردستاني سه ر به ئيران^۲ برواري له دايك

۱ - ئه بولوه فا كوري محه مه د كوري عه بدول كه ريم كاني مشكاني ناودار به موعته مه دي كوردستاني كه به ده س خه تي خوي ئه م شه رجه حالي له سالي ۱۳۳۹ ي هه تاويدا بوكتيخانه ي ئاستاني قودسي ره زه وي نوسيوه و ناردويه تي.

۲ - سنه له ۴۴/۳۸ پله ي دريژي خو ره ه لاتي (گرنويج) و ۳۶ پله عه رزي (پانايي) باكوري

بون: مانگی صهفهری ۱۳۰۵ ای مانگی وریکهوتی ۱۲۶۵ ای ههتاوی چاوی بهجیهان هه‌لیناوه.

خویندن و کارو بار: زانستی قه‌دیمه، وه‌ک ویزاوه‌ری، پارسی و عه‌ره‌بی صه‌رف، نه‌حو، به‌یان، به‌لاغه، به‌دیغ، مه‌نتیق، حیکمه‌ت، که‌لام، ته‌فسیر، حه‌دیس، فیهه، ئوصول و زانسته‌کانی‌تر.

له‌سالی ۱۲۹۴ ای هه‌تاوی دوا‌ی ته‌واوکردنی خویندنی باوی سه‌رده‌می خو‌ی، بو‌ته‌کاربه‌ده‌سی حوکومه‌ت و به‌رپرسیاربونی کارو پله‌ی یانه‌کانی وه‌زاره‌تی دارایی بو‌ه و س‌ی سالی ره‌بق خزمه‌تی کرده‌و و ۵ سالی له‌کوردستاندا و ۳ سالی له‌خوراسان و باقیه‌که‌ی له‌تاراندا کاری کرده‌و. له‌سالی ۱۳۲۸ ای هه‌تاوی له‌گروه‌ی ۹ داموته‌قاعید بو‌ه و وازی له‌کاری حوکومه‌تی هیناوه. نه‌بووه‌فا له‌ماوه‌ی ژیانیدا هه‌میشه‌خه‌ریکی خویندن و پیاچونه‌وه به‌کتیبه ئیسلامی به‌کان بو‌ه به‌تایبه‌ت دوا‌ی نه‌وه‌ی وازی له‌کاری حوکومه‌تی هیناوه، زیاتر سه‌رنجی داوه‌و نه‌م په‌راوانه‌ی نویسه:

۱- کتییی ئوصولی فیهه‌ی شافعی به‌پارسی که‌تائیستا دوچار له‌چاپ‌دراوه، جاری به‌که‌م له‌سالی ۱۳۳۲ هه‌له‌ چاپخانه‌ی حه‌یده‌ر و جاری دوه‌م له‌سالی ۱۳۶۴ هه‌تاویدا.

۲- کتییی (ارث) میراث له‌ئیسلام و موقه‌ره‌راتی قانونی مه‌ده‌نی له‌ ئیراندا به‌پارسی چاپی سالی ۱۳۳۴ هه‌تاوی.

۳- ریساله‌یه‌ک له‌باسی نه‌به‌سرانی بابی (ئجهاد) له‌رچه‌ی ته‌سه‌نون‌دا، به‌زوانی عه‌ره‌بی چاپکراوه.

۴- شه رحیک به پارسی له سه رکیبی (الشبهات فی المواعظ
والآداب) نوسراوی ئیمام قوزاعی له فرموده‌ی پیغمبه‌ری مه‌زنی ئیسلام
(چاپ نه‌کراوه).

۵- ریساله‌یه‌ک له مه‌سه‌له‌ی خه‌لقی ئه‌عمال له زانستی که لام‌دا به پارسی
(چاپ نه‌کراوه).

ماموستا و مه‌شایخی خوالیخوشبو ئه‌بول وه‌فا:

خویندنی صه‌رف و نه‌حو لای خوالیخوشبو (شیخ لطف‌الله) ئیمام جه‌ماعه‌ت
وده‌رس بیژی یه‌کیک له‌فیرگه‌کان که له‌کورانی ماموی باوکی ئه‌بو وه‌فا بوه‌ده‌سی
کردوه به‌خویندن و له‌دوا‌ییدا لای باوکی خوی و لای حاجی شیخ حه‌میدی
ماموی و لای خوالیخوشبو (مه‌لا عبدالله) دش‌ی موفتی کوردستان خویندویه‌تی
زانسته‌کانی باوی سه‌رده‌می خوی ته‌واو کردوه.

حاجی شیخ محه‌مه‌د موعته‌دول ئیسلام باوکی ئه‌بو وه‌فا لای عه‌لامه‌ی
ناودار حاجی سه‌ید حه‌سه‌نی موده‌رسی چوری و ئه‌ویش پشت به‌پشته له‌لای
زانایانی بنه‌ماله‌ی خویان خویندویه‌تی تاده‌گاته‌وه به‌خوالیخوشبو سه‌ید
ئه‌بویه‌کری چوری ناودار به (موصه‌نیف)^۱

خوالیخوشبو حاجی شیخ عه‌بدول حه‌مید له‌زانا گه‌وره‌کانی ئه‌م سه‌ته‌ی
دوا‌یه‌بوه‌و خاوه‌نی قه‌سیده‌ی غه‌رای (لامیه‌الکوردیه‌که‌فه‌قی‌ی عه‌لامه‌ی ناودار
محه‌مه‌د موفتی زه‌هاوی) به‌غا‌بوه.

۱ - عه‌لامه‌ی ناودار مه‌لا ئه‌بویه‌کری موصه‌نیف له ۹۲۳ مانگی له‌دایک بوه و له ۷۲ سالیله‌سالی
۱۰۱۴ی مانگی له‌چوردا بارگه‌ی به‌ره‌و لای خوا تیکناوه و کتیبی زوری نویسه.
بو ناسینی مه‌لا ئه‌بویه‌کری موصه‌نیف بروانه‌په‌راوی ژیناوه‌ری زانایانی کورد یا گه‌نجینه‌ی
فه‌ره‌نگ و زانست چاپی سالی ۱۳۶۴ په‌ره‌ی ۷۵ تا ۸۴ چاپی تاران نوسراوی شه‌پۆل.

خوایخوشبو مه لا (عبداللہ) دشئی موفتی گہ ورہی کوردستان کہ زور
ناودارہ. زنجیرہی ماموستا کانی بہم جورہیہ:

مه لا (عبداللہ دشئی) لای عومہر ئه فہندی هہ ولیری و ئه میش لای عومہر
ئہ فہندی دہرس بیژی رہ واندوز ئه میش لای ئہ بو بہ کرئہ فہندی هہ ولیری و
ئہ میش لای زانای خواناسی گہ ورہ محہمد ئہ فہندی خہ تی: (خاتی) شیخی
سلیمانی، ئہم دوزانیہش لای مه لا (عبدالرحیم) ئہ فہندی زیاری و شیخ
مه لا عبدالرحمن روژبہ یانی خویندیانہ.^۱

ئہم دو زانا گہ ورہش لای (صبغۃ اللہ) ئہ فہندی زیاری و ئہ میش، لای
مه ولانا محہمد صالح ئہ فہندی حہیدہری و ئہ میش لای باوکی
خوی مه ولانا سمایل ی حہیدہری و ئہ میش لای مه ولانا ئیبراہیم مودہریس
و ئہ میش لای باوکی زانای خوی مه ولانا حہیدہر حہیری کوردی خاوەنی
نوسراوہی زوروزہ و ہندو ئہ میش لای باوکی خوی مه ولانا ئہ حمہد ئہ میش لای
باوکی خوی مه ولانا حہیدہری کوردی فہقی (شیخ الاسلام) مه ولانا زہینہ دین
کوردی بیلالی، فہقی خواجہ جہ مالہ دین محمود شیرازی فہقی مه ولانا
محہمد کوری ئہ سعہد صدیقی دەوانی فہقی (محمی الدین) کہ شکہ ناری
فہقی عہ للامہ سہید شہریف جورجانی فہقی موبارہ ک شا فہقی مه ولانا
قوتبہ دین رازی فہقی عہ للامہ ی شیرازی فہقی خواجہ نہ صرہ دین توسی و
ہر وہا فہقی کاتبی قہ زوینی فہقی ئیمام فہخرہ دین رازی فہقی
(حجۃ الاسلام ئیمام محہمد غہ زالی) فہقی (ئیمام الحرمین عبدالملک
یوسف جوہینی) فہقی شیخ ئہ بوتالب مکہ یی خویندویہ تی، ئہ میش ئہ بو

۱ - بو ناسینی شیخ مه لا عہ بدورہ حمانی روژبہ یانی پروانہ پراوی ژیناوہری کورد... پەرہی ۶۷۲
چاپی سالی ۶۴ تاران چاپی ئہ وەل. (شہ پۆل).

وہسمانی مہ‌غربی خوش ویستوہ و مریدی بوہ و خہرقہ‌شی لہ‌دہس پوشیوہ و
ئہ‌میش مریدی قوتبی روزگار ئہ‌بو عہ‌مر زہ‌جاج و ئہ‌میش مریدی جویئہ‌یدی
بہ‌غدادی بوہ (قدس سرہم‌العزیر) ئہ‌میش مریدی سرّی کوری موفلیسی
سہ‌قہ‌تی و ئہ‌میش مریدی شیخ مارفی کہ‌رخی و ئہ‌میش مریدی ئہ‌بوسہ‌لیم تالی و
ئہ‌میش مریدی حہ‌یبی عہ‌جہ‌می و ئہ‌میش مریدی حہ‌سہ‌ن بہ‌سری و ئہ‌میش لہ
حہ‌زرہ‌تی ئہ‌بو بہ‌کری صدیق خہ‌لیفہ‌ی یہ‌کہ‌م و لہ‌حہ‌زرہ‌تی علی کوری ئہ‌بو
تالب خہ‌لیفہ‌ی چارہ‌م ئہ‌میش لہ‌حہ‌زرہ‌تی محہ‌مہ‌د پیغہ‌مبہ‌ری مہ‌زنی ئیسلا‌م و
خاوہ‌نی قورئان.

سہ‌رچاوہ: پہ‌راوہ‌ی (مؤلفین کتب چاپی فارسی و عہ‌رہ‌بی) بہ‌رگی ۱
نوسراوی خانبا‌مشار چاپی سالی ۱۳۴۰ھ تاوی پہ‌رہ‌ی ۳۰۶ نوسراوہ‌ی:
(ئہ‌بول و ہ‌فاکوری محہ‌مہ‌د) و روزنامہ‌ی شہ‌ہادہ‌ی کوردی ژمارہ‌ی ۱۰۷ سالی ۳-
۱۳۶۴/۱/۱۸ ہ‌تاوی و ۲۸ ژانویہ‌ی ۱۹۸۶ زاینی و ۱۸ خاکہ‌لیوہ‌ی ۲۵ ۹۷
کوردی بہ‌قہ‌لہ‌می (شہ‌پول) بلاو کراوہ‌تہ‌وہ و دہ‌ست خہ‌تی ئہ‌بولوہ‌فا خو‌ی کہ
لہ‌سالی ۱۳۳۹ی ہ‌تاویدا بوکتی‌خانہ‌ی ئاستانہ‌ی قودسی رہ‌زہ‌وی نویسوہ‌ وینہ‌ی
نوسہ‌ر.



محهمه د نه بولو هفا تاجولعارفين

۱۶ ی رهجه بی ۴۱۷ - ۵۰۱ ی مانگی

تارچولعارفين زاتيکي گه وره و خوا ناسي ته واو و له نه سلدا خه لکي
حه لوان (زه هاو) بووه و لای زاناو خواناسي گه وره (شه نه کي) ده رسي خویندوه و
به کاکيس (کاکيش) ناو براوه، چونکا هوگري کاري کشت و کال بووه - له
(قلاندالجواهر) له شيخ عه زار نه قل کراوه که تاجولعارفين (پيغه مبه ر) له خه ودا
نه بيني و پيي ده لي: (يا رسول الله له بابه ت نه بولو هفاوه چ ده فرموي)
پيغه مبه ريش له وه لامدا فرمويه تي: (بسم الله ... من به و ده نازم؟) و هه روا (شيخ
عبدالقادر) گه يلاني له بابه ت تاجولعارفينه وه ده لي (ليس علي باب الحق تعالي
کُردي مثل ابي الوفا) - له قسه کاني نه بولو هفاي کورده: (التسليم ارسال النفس في
ميادين الاحكام، و ترک الشفقة عليها من الطوارق) تاجولعارفين، فرمويه تي:
نيواره کورد بوم و به ياني بومه عه ره ب، (قاضي القضاة) موجيره دين عه ليمي
(مقدسي حنبلي) له تاريخي (المعتبر في انباء من عبر) فرمويه تي: (سه روه ري
نيمه تاجولعارفين نه بولو هفا محهمه د بن محهمه د بن زه يد بن حه سه ن مورته زاي
گه وره (عريض بن زيد بن زين العابدين علي بن حسين بن علي نه بي تاليب د - خ)
شه ريف حوسه يني فوساني (پوشيني) سه يدي گه وره و قوتبي زه مان و عه للامه ي
ده وراني خو ي بو. به قسه ي پروا پيکراوان تاجولعارفين له ۱۶ ی رهجه بي ۴۱۷ له
دايک بووه و له ۲۰ ی (ربيع الاول) سالي ۵۰۱ له (قه له مي نيا) شاريک له ني زيک
به غدا وه فاتي کردوه و له سه ر ريبازي شافيعي بووه، به لام نه وه ي که له راستي

۱ - په ري ۸۱ قه لاند جه واهير.

۲ - علماءنا په ري ۴۵۷ و ۴۵۸ چاپي ۱۹۸۳ - ز - به عه ره بي - هه روا قه لاند جه واهير نوسراوي محهمه د بن
يه حيا حه نه لي حه له بي په ري ۸۰ و ۸۱ و بهجة الاسرار شطنوفي به نه قل له بلاو کي نه نجومه ني ناساري نه ته وه بي
په ري ۵۰ و کوپه ي شدالازار و طبقات الكبرى ج - ۱ - په ري ۱۳۴ و کتبي زريزه ي زيرين په ري ۱۴۹ چاپي
۱۳۷۴ - تاران به قه له مي (شه پول)

نیژیکه، تاجولعارفین خه لکی گوندی پوشینه که سه ربه مه لبه ندی به رزنجهی لای شاری سوله یمانی به وله پوشین نیژراوه، واژه ی (قه له می نیا) یا گوپردراوه ی واژه به کی کوردی به یا له به راگوندیک به و ناوه هه بووه، به پیی شه جهره نامه به ک که به سهد مه حمود موزه فهر برای ئیمام جه عفر سادق و کوری ئیمام باقرده گا - ۱ - بنه ماله ی زانایانی کاژوایان له نه سلی ئه و زاتهن. تاجولعارفین به کی له خواناسان و زانایانی گه وره ی ئیراق بووه و کوری زور له زانایان و خواناسان له فیترگی ئه و پی گه بیون و ئیجازه یان وه رگرتووه، وه ک: شیخ عه لی هه یتی ناودار، شیخ ئه حمده به قلی، شیخ به قا بن به تو، شیخ ئه وره حمان ته فسونچی، شیخ مه ته ر بارزانی، جاگیرلو، شیخ ماجد کوردی که له سالی ۵۶۴ له ج - ۱ - وه فاتی کردوه و چه ندین زاناو داناو خواناسی دیکه ش^۲.

حه کیم سه نایی له په سه ندی تاجولعارفین دا فهرمویه تی:

قرنها باید که تا از پشت آدم نطفه ای بوالوفای کرد گردد یا شود ویس قرن^۳ ئوستاد بابا مه ردوخ روحنی (شیوا) نویسیویه تی: که تاجولعارفین له خواناسانی سه ته ی شه شه می مانگیه و له سالی ۵۳۰ وه فاتی کردوه^۴ هه روا خواناسی گه وره: شه مسی مه غربیی هه م له سه ره تای دیوانه که یداو هه م له غه زه لی ۱۵۱ له په سنی عارف و خواناسیکی کورد که همان ئه بولو ه فای کورد: تاجولعارفینه به شیعر فهرمویه تی:

۱ - علماءنا - یاکتیبی زانایانی کورد له خزمهت عیلم و دیندا نوسراوی ئیمام شافعی زه مان: عه للامه مه لا عه بدولکه ریم موده ریس، ته رجه مه ی زانای ده س و قه له م جوان ئه حمده حه واری نه سه ب چاپی بلاوکی ئیتیلعات سالی ۱۳۶۹ - تاران په ری ۳۳۷ (شه پول).

۲ - زانایانی کورد له خزمهت عیلم و دیندا سه رچاوه ی به رو.

۳ - دیوانی سه نایی چاپی مه روی په ری ۴۸۶ - زیره ی زیرین نوسراوی (شه پول) په ری ۱۴۸ و ۱۵۸ و ۱۵۹ چاپی ۱۳۷۴ ی هه تاوی.

۴ - تاریخ مشاهیر کرد، عرفا، علماء، ادبا، شعرا، جلد - ۱ - تألیف بابا مردوخ روحنی شیوا چاپی سروش - تاران ۱۳۶۴ - په ری ۳۵ و ۳۶.

۵ - په ری ۳ و ۱۰۷ دیوانی شه مسی مه غربیی چاپی ۱۳۶۴ ی هه تاوی تاران.

این کرد پریچهره ندانم که چه کرده است
کز جمله خوبان جهان گوی ببرده است
موسی کلیم است که دارد ید بیضا
عیسی است کزو زنده شود هر که بمرد است *

جابان: جاوان

ئەم (جاوان): کابان الکردی، گاوانه یه کییک له یاران و سه حابه گه و ره و زاناکانی سه رده می سه ره تای ئیسلام بوه جابان یا جاوان (گاوان) کورد بوه و له وهش ئەچی جاف له جابان گیرایی به خه یال جاف موفره دی (جابان) ه - ئەم جابانه به پیی قسه و نوسراوهی (الاصابة فی تمییز الصحابة) دانوسیویه تی ئەم جاوانه یه کییک له یارانی چه زه ته ره سولی ئە کره م و له راوی یانی فه رموده ی پیغه مبه ری مه زنی ئیسلامه.

عه للامه ی ناودار ئالوسی زاده به غدادیش ته فسیرنوسی ناو دار له ته فسیری (روح المعانی) خویدا نیوی جابانی بردوه، ئەم دوانه (حافیز کوری چه جهری عه سقه لانی و ئالوسی زاده) نوسیویانه هه ندی له زانایانی کورد چاویان به چه زه ته ره سولی ئە کره م که وتوه و قسه یان له گه ل پیغه مبه ر دا کردوه، یه ک له وانه (جابان) باوکی (مه یمون) ناودار به (ئه بویه سیر) ی کورده. شه پۆل *
سه رچاوه: ئەمین زه کی په ره ی ۱۲۳. ته به رانی موسنه ده ی چکۆله ی الاصابه فی تمییز الصحابه، ته فسیری روح المعانی له واتای: ئایه تی ئەدای ماره یی به ژن.

چه له بی حیسامه دین حه سه ن

۹۵۴ - ۸۸۶

ئه م زانا پایه به رزه ناوی حه سه ن ه و کوری محمه د شای فه ناری کوردی
خه لکی ورمی و حه نه فی یه که له ۸۸۶ کوچی مانگی له دایک بو ه و
له ۹۵۴ کوچی کوچ و کوچباری به ره ولای خواتیکناوه و له ته سته مبول نیژراوه. ئه م
زانایه له زانسته کانی و یژاوه ری و ئه ده بی و ته فسیر زورشاره زاو پسپوربو ه و نازناوی
(مهی دین) ی پیدراوه، به (فه نار) ی زاده یش نیو براوه چونکا یه کییک
له باوه گه و ره کانی فه نار (چرای ده ریایی) ی به دیاری بو پاتشای روم برده. شای
رومیش ته وی به (مه رد) ی (فه نار) ی ناو برده ه.

چه له بی له روژگاری سولتان سلیمان خان قانونی له ته سته مبول و (ادرنه) و
(ئه ناتولی) و (روم ئیلی) دا ساله های سال (قازی) بو ه و خه ریکی قه زاوه ت
کردن بو ه. چه له بی حیسامه دین حه سه ن کورد په راوه و کتیبی زوری نویسه، وه کو:
۱- کو به له سه ر ته فسیری به یزاوی. ۲- کو به له سه ر ته لویح ۳- کو به له سه ر شه حه
مه واقیفی میرسه ید شه ریف جورجانی. ۴- کو به له سه ر موخته سه ر ۵- کو به

۱- له ۷۴۰ له گورگان له دایک بو ه و له ۸۱۶ کوچی مانگی له شیراز وه فاتی کردوه.

له سهر موته وهل نوسراوی مه لاسه عد ته فتازانی^۱.

چه له پی له ناخری ته مه نیدا چو ته زیاره تی: (حیره مه یین) له سه رواژه ی
(چه له پی) به (پ) یا به (ب) بیرو پای جیا جیا هه یه که کوردی یه یاتورکی یا
پارسیه، خاوه نی (ته نوار به هییه) واژه ی چه له بی به پارسی داناوه. به لام سه خاوی
ثم (واژه ی به (روم) ی داناوه، هه روه کو پاشا که به واتای تاغوا گوره یه. چه له بی
له ۶۲۲ ی مانگی له شاری ورمی له دایک بووه^۲.

مه ولانا له پارانه وه و مونا جاتی کدا که به فارسی و تورکی فرمویه تی:
ثم واژه ی: (چه له پی) به خوا بانگ کرده هه روه کو فرمویه تی:

خبری دهید جان را که زدوست چیست فرمان
چه کنم چه چاره سازم چه دوا کنم چه درمان
چلپی، بیزه نظر قیل که حل اولسار از مشکل
چلپی، بیری اونوتما دل خسته را مرنجان
چو جمال خود نمودی دو جهان بهم برآمد
همه جا فغان و ناله همه جا خروش و افغان

دوباره

چلپی، تو شاه و میری چلپی تو دستگیری
چلپی، تو دلپذیری چلپی، بیزی اونوتما

۱ - که له ۷۲۲ کوچی له گوندی ته فتازان - نسای خوراسان له دایک بوه وله ۹۷۳ کوچی وه فاتی کرده وله سه ره خس نیژراوه.

۲ - کتیبی سوخن سه رایانی نازربایجانی خوراوی لاپه ره ی ۶۶ و ۶۷ چاپی بی تاریخ.

چلبی، شده جهان چلبی توجان جانی
چلبی، نه این نه آنی چلبی، بیزی اونوتما

مه ولانا چه له بی حیسامه دین زیائولحقه حه سن و بیرو رای مه ولانا

جه لاله دین له بابته چه له بی یه وه

مه ولانا جه لاله دین محمه د به لخی ناودار به مه وه لوی که له گه وره شاعیرانی
سوفی مه نشی ئیرانه ۱ له بابته حیسامه دین چه له بی دا فه رمویه تی: حیسامه دین
چه له بی زه خیره و نازوخه ی نه مرو و قیامه تمه، (قدوة العارفين) ه، (امام الهدی و
الیقین) ه، (مغیث الوری) یه، (امین القلوب والنهی) یه (ودیعة الله بین خلیفته) یه، (و
صفوته فی بریته) یه، (وصایاه لنبیه) یه، (وخبایاه عند صفیه) و کلیلی گه نجه و
عهرشی بالآوئه مینی گه نجه ی زه وی و حیسامی حه ق و دینه).

له شهرحی که بیری نه نقره وی بو مه سنه وی مه وه لوی ۲ دوا ی ستایشیکی زور
و جوان له حه زه تی چه له بی نویسیویه تی:

حیسامه دین چه له بی و باوک و باپیره ی خه لکی شوینیکن که به (ورمی)
ناوبراوه و ئه سلیمان کورده. ۳

حیسامه دین، ناوی حه سن و کوری محمه ده و له کوردانی (ورمی) ن.
ئه مزاته بایه زیدی کات و جوئهیدی روژگاری خوی بوه. حیسامه دین چه له بی

۱ - مه ولانا جه لاله دین له ۶۰۴ ی کوچی مانگی له به لخ له دایک بوه و له ۶۷۳ ی مانگی وه فاتی
کردوه

۲ - پهره ی ۲۶ تا ۳۳ به ترجمه و کوبه ی (دوکتور ئه کبه ر بیهروز) چاپی سالی ۱۳۴۸ ی کوچی
هه تاوی بهرگی یه که م چاپخانه ی خورشیدی ته وریز.

۳ - پهره ی ۳۲ سه رچاوه ی بهرو

صهديق كورى صهديق كورى صهديقه و نه چيتهوه سهر نه بوبه كرى زينه ارانى
حوسين بن على بن يه زدانيار نه و عارفه خواناسه زانا و ناوداره ي و افهرمويه تى:
(أَمْسَيْتُ كَرْدِيَا وَ أَصْبَحْتُ عَرَبِيَا). و اتا: شه و كورد بوم كه نوستم له به ره به يانا كه
بيداره وه بوم ديتم عه ره بزوانم، و اتا: عه ره بى و زمان و واتاى قورئانى له هه مو
زانايانى روژگارى خوى باشتر زانيوه كه به له دونى: (لدنى) نه و زانسته ي له لايه ن
خوای به خشه رو دلاواو دل لاوينه وه، پى دراوه.
له سه ره تاي ده فته رى چاره مى (مه ثنه وى) جه لاله دين مه وله وى به و كورده
مه زنه ي دا هه ل گوتوه:

□ نه بوكر زينه ارانى: احوسين بن على بن يه زدانيار كه له ۳۳۳ى مانگى
له ورمى وه فاتى كردوه و گوره پيروزه كه ي له لاي فيرگه ي نه ويد فه تحه كه باوه
گه و ره ي (ضياء الحق حسام الدين) حه سه ن چه له بى به كه هه ندى لايان وايه مه سنه وى
نه م بو مه ولاناي رومى داناوه، — مه ولانا جه لاله دين رومى له ديباچه ي ده فته رى
نه وه لى مه سنه ويدا، ده لى: ۲ (يقول العبد الضعيف... محمد بن محمد بن الحسين
البلخي اجتهدت في تطويل المنظوم المثنوي... لاستدعاء سيدي ابوالفضائل
حسام الحق والدين حسن بن محمد المعروف بابن اخي ترك ابو يه زيد الوقت و
جنيد الزمان... المنتسب الى الشيخ المكرم بماقال: (أَمْسَيْتُ كَرْدِيَا وَ أَصْبَحْتُ عَرَبِيَا)
فنعم الخلف و نعم السلف^۳ كه عه للامه قه زوينى به ناوى حوسين بن على نه بوبه كر

۱ - بلاوه ي نه نجومه نى ئاسارى نه ته وه يى لاپه ره كانى ۳۰ و ۳۱ و ۱۰۵ و ۱۷۶ - كه ده لى ن:
ده ستگردي چارينه كانى بابا تاهيرى گوريوه ته سهر زمانى فارسى
۲ - نفحات الانس چاپى كه لكه ته لاپه ره ي ۳۶۲ بابوبى - مقدمه ي شدالازار ص-ج - كو به ي عه للامه
قه زوينى به نه قل له بلاوه ي نه نجومه نى ئاسارى نه ته وه يى لاپه ره ي ۴۸.
۳ - شدالازار كو به ي ۵۱۲ تا ۵۱۴ به نه قل له بلاوه ي نه نجومه نى ئاسارى نه ته وه يى لاپه ره ي ۴۹
سهرچاوه ي به رو.

زینهارانی، بن یهزدانیار ناوی بردوه، مهولهوی له بهر مه شهوړ بون به لازمی نه زانیوه
ناوی بیا. ۱

ټه مه ش هندی له و شاعرانه ی مهولهوی رومی

گرز نام و حرف خواهی بگذری
پاک کن خود را ز خود هان یکسری
همچو آهن ز آهنی بی رنگ شو
وز ریاضت آینه بی رنگ شو
خویش را صافی کن از اوصاف خویش
تا بینی ذات پاک صاف خویش
بینی اندر دل علوم انبیا
بی کتاب و بی معید و اوسا
بی صحیحین و احادیث رواة
بلکه اندر مشرب آب حیات
سِرِّ اَمْسِيْتُ لِكُرْدِيَا بَدَان
راز اَصْبَحْتُ عَرَايَا بَخْوَان
سِرِّ اَمْسِيْنَا وَ اَصْبَحْنَا تَرَا
می رساند جانب راه خدا
□ تا ټه و شوینه ی میژوده لی: ټه م سی زاته ؛ بابا تاهیر، بابویی و زینهارانی
باوگه وره ی (ضیاء الحق حسن) چه له بی (اَمْسِيْتُ ...) یان به زاراهاتوه. ۲

۱ - لاپه ره ی ۴۵۹ و ۴۶۰ کتیی گه نجینه ی فره ننگ و زانست چاپی ۱۳۶۴ نواسراوی
(شه پول).

۲ - دیباچه ی ده فته ری ټه وه لی مه سته وی. کتیی زیره ی زیرین لاپه ره ی ۱۴۹ و ۱۵۰ چاپی
۱۳۷۲ ی هه تاوی (شه پول).

وی ضیاءالحق حسام‌الدین توئی
که گذشت از مه بنورت مثنوی^۱
ای ضیاء الحق حسام‌الدین راد
اوستادان صفا را اوستاد^۲
تو همش نمونه‌ی دو غه زهل له به شی شه مسی ته وریزی:
وه چلبی زدست تو وزلب و چشم مست تو
چو دلم شکستی تو، وه چلبی زدست تو
خیزم و بس فغان کنم شور در این جهان کنم
راز دلم عیان کنم وه چلبی زدست تو
چه له بی شوینی زوری له سهر جه لاله دین مه وله وی هه بووه وئارا و قارای له
مه وله وی بریوه.
چه له بی به شه ودا ئه ی نوی و به روژدا هه مو نوسراوه کانی به ده نگ و
ئاوازی خوش بومه وله وی ده خوینده وه.
ده لین کاتی ج ۱ مه سنه وی ته واوبو، چه لال و خیزانی چه له بی وه فات ده کاو
تا دو سال و تنی شیعر و هونه ی مه سنه وی را ده گیر دری و شعروتن و شکاوی دی
مدتی این مثنوی تاخیر شد
مهلتی بایست تاخون شیر شد
چون ضیاءالحق حسام‌الدین عنان
باز گردانید ز اوج آسمان

۱ - سهره‌تای ده فته رو نویسنکه چواره می

۲ - سهره‌تای ده فته ری پینجه م

چون ز دریا سوی ساحل بازگشت

چنگ شعر مثنوی با ساز گشت
واتای واژه‌ی چه‌له‌بی: بوت، جوانی، بوریزدانان له‌گه‌وره‌گه‌وره‌کان،
وینه، خودا، خودایی، نیک نیژاد، نه‌جیب‌زاده، سید و سه‌روه‌ر، خاوه‌ن‌مال، خونیا
گه‌ر، گورانی و قام بیژ، شایه‌ر، شاعیرو‌هه‌ستیار، ده‌رس‌خوین، خوینده‌وار،
به‌ئه‌ده‌ب، چرگه‌ر، موته‌مه‌دین، شه‌ریف، شیک و ته‌رپوش، خیو، خودانی گچکه،
رابه‌ری روحانی چه‌له‌ب: خودا چه‌له‌بی که موشته‌قی کوردی‌ئه‌وه به‌واتای
خودایی‌یه، ئەم واژه کوردی‌یه له سه‌ره‌تای سه‌ته‌ی چارده‌وه که‌وته سه‌رزاری
تورکی سه‌لجوقی و هه‌ر به‌و‌واتا پیش‌و‌وانه‌ی که له زمانی کوردیدا باوبو، به‌کاربرای
به‌کورتی بلین: کاتی‌حیسامه‌دین چه‌له‌بی گه‌نج‌بوه که باوکی و ه‌فاتی‌کردوه
هه‌مو‌گه‌وره پیاوان و پیاوانی خوداو دل و ده‌رون باز زیائه‌دین چه‌له‌بی یان بانگ
کرده لای خوینان، چونکا هه‌مو‌گه‌وره پیاوانی پیاو و خودایی‌ئه‌و سه‌رده‌مه له
فیرگه و فیرانکوی باب و باپیرانی حیسامه‌دین چه‌له‌بی فیری فه‌ره‌نگ و زانست و
خووناکاری چاک و پاک بیون و بارهاتبون و خویندبویان حیسامه‌دین چه‌له‌بی،
ئەم ده‌عه‌ته قه‌بول‌ئه‌کات و له‌گه‌ل‌گوری له‌گه‌نجانی ئەم ته‌ریقه‌ت و رچه‌وری‌بازه
ئه‌چیته‌حوزوری مه‌ولانا و له‌خزمت مه‌وله‌وی‌دا ئە مینته‌وه و حیسامه‌دین
چه‌له‌بی خوشه‌ویستی مه‌وله‌وی له‌دلی‌ئه‌نیشی و هه‌رچی‌مال و سامانی بوه
له‌ریگای مه‌وله‌وی‌دا خه‌رجی‌کردوه و ته‌نانه‌ت به‌په‌یره‌وانی بنه‌ماله‌ی خوشی
ده‌ستور ئە‌داهه‌رچی‌دارایی و سامان به‌ده‌س دینن وه‌قفی مه‌ولانای بکه‌ن.
باشترین یادگاری مه‌وله‌وی نه‌زمی مه‌سنه‌وی‌یه که به‌تکای حیسامه‌دین
چه‌له‌بی ده‌سی داوه‌ته دانانی ئەم شوینه‌واره ئە‌ده‌بی و هونه‌ری و عاریفانه.

چه له بی یه کیك له خه لیفه خوشه ویسته ناوداره کانی مهوله وی و پیشه وای
مریدان و ئەمین حوزوری مهوله وی و موله ولی خانه قای (زیائەدین وه زیر) بوه و
ئەمانه هه مو فەزل و ته قواو پاریزگاری حیسامه دین چه له بی ئە گه ینی^۱.
چه له بی: بوریزدانان و جوانی به کارده بری.

چه له بی: له مه زنه کانی چه له بن، که له جلوم له نیزیکی فیگره و مه کته بی
ئەحمه ديه دا نیشته جین و خویان به سه ر فیگره ی ئەحمه دی یه دا رانه گەن.

چه له بی: جه عفه ر شاعیری وه سماني یه وبه (نیشانجی) پاشا ناوبراوه و
له گه ل سه لیم ی ادا له هیرش بو سه ر ئیران به ناوی قازی عه سکه ر له سالی ۱۵۱۱
زاینی به شدا ربوه و به ناوی مل بادان له سالی ۱۵۱۴ زاینی له ته وریز سه ری براره
دیوانی شیعریشی هه یه. ۲

چه له بی زاده: عاصم ئەفهندی ئیسماعیل: شیخ الاسلام (۱۷۵۸) که له
بروسه و شاری مه دینه و ئاستانه دا قازی بوه و میژو نویسش بوه که میژوی سالانی
نیوان ۱۷۲۲ و ۱۷۲۸ زاینی نویسه و دیوانی شیعریشی هه یه.

چه له بی: صاحب یه کیکه له زانایان له هیند و ستانا و فریده الزمان له ته فسیری
تایه تی (اَنَا عَرَضْنَا الْأَمَاتَةَ) دا بو (ئهورهنگ زیبی له ۱۶۶۰ زاینی دانوسیوه و
به خه ت له لهنده ن هه یه.

سه رچاوه: ئەلمونجید - ئەعلام په ره ی ۱۳۹ چاپی ۱۵ سالی ۱۹۵۶
زاینی بیروت. و سوخن سه رایانی ئازربایجانی خوراوا چاپی بی تاریخ لاپه ره ی

۱ - نه قه ل له سه ره تای مه سه نه وی و مه ناقب العارفین و نفحات الانس که هه ر سیکیان جی دنیایی بدیع
الزمان فروزانفهرن.

۲ - پروانه کتیبی بزگان و سخن سرايان ئازربایجانی غه ربی په ره ی ۶۶ تا ۷۱ و کتیبی ژیناوه ری
زانایانی کورد... یا گه نجینه ی فه ره هنگ و زانست په ره ی ۴۵۸ تا ۵۵۹ چاپی تاران چاپخاه ی
مه هاره ت سالی ۱۳۶۴ کوچی مانگی. نوسراوی (شه پۆل).

۶۶ تا ۷۱ - ریحله‌ی ابن به توتله ژیرواژه‌ی چه‌له‌بی‌دا.

نوخته: له یونسی^۱ کورپی حه‌یب به‌صری یان پرسسی چ که سی^۲ شیعی
له‌هه‌موان جوان تروباشتره. ئه‌ویش وتی ناکری به‌شاعیریکی تاییهت
ئامازه‌وئیشاره بکری ئه‌بی بوتری: (ئیمروئول قه‌یس) کاتی سوارئه‌بی، و (نایغه)
کاتی بترسی و (زوهیر) کاتی بییه‌وی و ئاره‌زوی لیبی و (ئه‌عشا) کاتی شادبی،
هه‌ریه که له‌مه‌به‌ستیک‌دا ئه‌توانی جوان بئاژوی و به‌زمان ته‌روپاراوی شیعی له
باربلین یونس فه رمویه‌تی (له‌بید) له‌ئیسلاام داته‌نیا شیعیکی و توهو ئه‌ویش
ئه‌مه‌یه:

إِلْحَمْدُ لِلَّهِ إِذَا لَمْ يَأْتِنِي أَجْلِي حَتَّى لَيْسَتْ مِنَ الْإِسْلَامِ سِرْبَالِي^۲

شه‌پول



۱ - یونس له ۹۰ یا ۸۰ له‌دایک بوه و ۸۸ سال ژیاوه‌وله ۱۷۲ یا ۱۷۵ مانگی وه‌فاتی کردوه.
۲ - بروانه‌ریحانه‌الادب، فوائد البهية و ستارگان فروزان به‌رگی ۱ نوسراوی یه‌حیانوری چاپی سالی
۱۳۳۴ هه‌تاوی وریکه‌وتی ۱۳۷۴ی مانگی چاپی مه‌روی په‌ره‌ی ۸۴ و ۸۵.

زیرینای ئامیدی

زیرینای ئامیدی که له سالی ۶۳۷ی مه سیحیدا له جهنگی قادیسیه دا له گهل له شگری سه عدی کوری وه قاص به شهرهاتوه و له (وان) شهید کراوه ئه م ئه میره کورده کچی شیروخانی ئامیدی بوه که باوکی له کیشه کیشی نیوان بارامی چوبیین و خهسره و پهرویزدا کوژ راوه

(زیرینای ئامیدی) پهیمانی یه کیه تی وئیتحادی له گهل ئه میر (په شهنگی وانی) بو بهرگری له هیرشی دوژمنان و عه ره ب بو سه رکوردستان بهستبو. له سالی ۵۰۲ی زاینیدا له ناوچهی دیار به کردا له سوینگه هیرشی ئیران و روم بو سه رکوردستان زیاتر له ۸۰ههزار کوردیان قه کردو کوشت. زیرینای ئامیدی له میژو دا خویند بویه وه و بیستبوی که عه ره ب دژی کورده وئیتر بر وای به دژ و دوژمنان نه ما بو.

بو بهرگری کردن له کورده واری له هوزه کانی کورد یارمه تی خواستبو، جائه وه بو زیرینای کچی ئازای شیروخان له ۱۶ مانگی صه فه ری کوچی مانگیدا به ره و قادیسیه و مه داین (ماداین) به له شکریکه وه بو ی رویشته و به ره نگاری عه ره بی هیرشکار بوه.

زیرینا له گهل ته میر په شه نگی میری وان که پیکه وه هاو په یمان بون له ۲۱ ی
کوچی مانگی وریکه وتی ۹۴۲ ی زاینی له لای که رخ - سیروان بو پاراستنی ته هواز
ونه هاو هند به رهنگاری عه ره به کان بو.

له سالی ۹۴۵ ی زاینی له ناو شاخه کان پشتی شاری وان زیرینا و ته میر
په شنگی وانی شه هید کراون ۱

(۱) میهراکوی بیتوینی ته م کچه کورده نازاو به ناموسه له ۸۵۰ سال به رله
دایک بونی چه زره تی عیسا ولاتی میصری هیناوه ته بن فرمانی خوی و میری
کردوه.

(۲) فیروزخانی پشتکوله سالی ۱۲۵۷ ی زاینیدا له گهل چه نگیزی مه غولدا
چه نگاه و به دلداری ئیستراختونی سه مه رقه ندی هیناوه.

۱ - کتبی زیرینا، نامیدی نوسراوی میرزا محمد امین مه نگوری چاپی سالی ۱۹۷۱ ی زاین به
کوردی.

شاره زوری کوری صه لاج

۵۷۷-۶۴۳ کوچی و ۱۱۸۱-۱۲۴۵ زاینی

ئەم زاتە ناوی وە سمان و نازناوی تەقی یەدین و کونیهی ئەبو عەمرە و کوری صه لاجە دین عەبدورەحمان کوری وە سمان کوری موساکوری ئەبو نەصرە جارجارە لە کتیبەکاندا بە کوری صه لاج-ی- نەصری و جارجارەش (شەرەخانی) یا بە (کوردی) یا بە فاضلی دیمە شقی ناو براوە. - باو باپیرانی زور ناودارن چونکا ئەبو ناصر پیاویکی ناودار بوە، صه لاجە دین ی باو هی: (کوری صه لاج) پیاویکی ناو بە دەره وە بوە و لە گوندی شەرەخانی نیزیکی شاری هەولیرنیشته جیبو و لە باری نێژادە وە ئەچیتە وە سەر رەسەنی نەتە وە ی کورد، بەلام چونکا تەقی یە دین خوی لە نیزیکی شاری (شارە زور) ژیاو بە (شارە زوری) ناودار بوە.

شارە زوری کوری صه لاج یە کیکە لە زانایانی ناوداری زانستی فیهقە و لەم زانستەدا فتوای وردوئارای زیرین و پتەوی لەرچە ی ئیمامی شافعییدا زور هەیه، شارە زوری کوری صه لاج لە زانستی تەفسیر و فەرمودە ی پیغمبەر و زانستی ریجال و لوغەت و واژە داماموستایەکی زور شارە زا بوە و لە زانستەکانی تری مەعاریفی ئیسلامی دا شانی لە شانی زانایانی پایە بەرزی تر داو.

شاره زوری کوری صهلاح له سالی ۵۷۷ی کوچی مانگی له گوندی شه ره خان له دایک بوه و گه وره بوه و لای (صهلاحه دین-ی باوکی) ده سی کرده به خویندن ولای باوکی زانستی فیه فیربوه و له دواییدا له گه ل باوکی دا چوته شاری (موسل) و خه ریکی فیربونی زانست و فره هنگ و ئه ده ب و هونه رومه عاریفی باوی سه رده می خوی بوه.

کوری خه له کان فه یله سوفی میژوا له په راوه ی زورگرینگی خویدا^۱ نویسویه تی: کوری صهلاح شاره زوری هیمان سمیلی نه روا بو چه ندین جارکتییی: (مهذب) ی خویندبوه وه دقه سی لیکردبو، له سوینگه ی تیکوشان وزیره کی خوا پیداوی یه وه، له سه رده می لای دا پای ناوه ته پله ی به رزی مه زنی و ماموستایی و له جیگای (ئه بو حامید، کوری یونس عیماده دین) (محهمه د)^۳ بو ته، موده ریس و ده رزیژو بو ماوه یه ک له شاری موسل دا به شیوه ی (عیماده دین)^۴ ده رسی به مه لا و فه قی یان داوه وله ناصریه و له قودس موده ریس بوه و له دواییدا چوته دیمه شق وله فیرانکوی (ره واحیه) دا ده رسی و توته وه.

شاره زوری کوری صهلاح بو خویندن به فه قیه تی چوته خوراسان بو فیربونی فه رموده ی پیغه مبه ری مه زنی ئیسلام و زانستی حه دیس له وی فیربوه. له نیشابورلای مه نصور ی فه راوی: و موئه یه دی توسی و له مه رولای ئه بو موزه فه رسه معانی و له ئاخیریدا ها توته فیرگه ی ئیمام یافعی:

۱- کوری خه له کان له ۶۰۸ کوچی مانگی له دایک بوه و له ۶۸۱ی مانگی وه فاتی کرده.
۲- (وفیات الاعیان و ئه نباء و ئه نباء الزمان) په ره ی ۴۰۸ دیری ۱۰ به رگی ۲ چاپی سه عاده تی میصر ژماره ی ۳۸۴
۳- کوری یونس کوری محهمه د کوری مه نعه کوری مالک کوری محهمه د برای که ماله دین عه للامه)
۴- عیماده دین له ۵۳۵ کوچی له دایک بوه و له ۶۰۸ کوچی مانگی وه فاتی کرده